



جارچی

مژگان شجریان
برای مونترال
«ارغوان» می‌خواند
۱۱

نگارخانه

«اورینتالیس»
دیدار شرق و غرب
در مونترال
۲۶

از سرزمین‌های شمالی

افسانه‌های
بومیان کانادا
«شینگیس»
۳۸



میراث فضایی کانادا



www.medad.ca

مداد، مجله آنلاین مونترال
هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی
شماره هجدهم، جمعه ۵ مرداد ۱۳۹۷

سردبیر: شهرام یزدان‌پناه
دبیر تحریریه: پوریا ناظمی
اجتماعی: آزاده مقدم
ادبیات: علی زندیه‌وکیلی

هنر: پریسا کولان
سلامت: مهرنوش اردلان‌یکتا
دانش، تاریخ: مریم ایرانی
سیاست، اقتصاد: شهرام یزدان‌پناه

صفحه آرایی، طراحی و گرافیک: آتلیه گرافیک مانا

«مداد» هفته‌نامه دیجیتالی است و چاپ نمی‌شود.
اشتراک مجله هفتگی «مداد» رایگان است.
مشترکان هر جمعه نسخه الکترونیک «مداد» را روی ایمیل دریافت می‌کنند.
برای اشتراک اینجا کلیک کنید
برداشت و استفاده از مطالب «مداد» در صورت ذکر منبع مجاز است.
اگر مایل به نوشتن در «مداد» هستید، مطالب خود را به ایمیل زیر ارسال کنید:
editor@medad.ca

«مداد» در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است.
«مداد» هیچ مسئولیتی در قبال آگهی‌های تجاری ندارد.
تلفن: 4387388068

آدرس:
3285Cavendish blvd, #355 - Montreal, QC - H4B2L9
ایمیل:
info@medad.ca




با تبلیغ در «مداد» نه تنها به مشتریان خود وصل می‌شوید بلکه ادامه این حرکت فرهنگی را نیز ممکن می‌سازید. پیشاپیش از شما سپاسگزاریم.
برای درج آگهی در «مداد» با ما تماس بگیرید. ما فقط آگهی نمی‌فروشیم، مشاوره تبلیغاتی رایگان هم می‌دهیم.

تلفن واحد آگهی‌ها: 5149160083
ایمیل: ads@medad.ca

سیاستمداران و بوی قورمه‌سبزی

کامیونیتی ایرانی ساکن مونترال هفته گذشته را با یک خبر خوب آغاز کرد. سال‌ها پیش و در اوج تحریم ایران به دلیل منازعات بین آن کشور و دنیای غرب بر سر موضوعات هسته‌ای، ناگهان چند بانک کانادایی اقدام به بستن حساب برخی مشتریان ایرانی خود کردند. موضوعی که سروصدای زیادی به پا کرد مخصوصاً وقتی مشخص شد صاحبان آن حساب مشکل خاصی هم نداشتند.

در این میان یک تاجر مونترالی به نام حسین پورشفیعی که سالهاست به عنوان فعال اجتماعی، فرهنگسرای سینا را نیز اداره می‌کند، این اقدام را تاب نیاورد و با ایمان به حاکمیت قانون در کانادا به جنگ بانک تی‌دی (TD Bank) رفت.

او که برای این مبارزه حقوقی زندگی، خانواده و آینده فرزندانش را به خطر انداخته بود در نهایت با خبر رأی دادگاه به نفع وی ، میوه پیروزی را چید.

سال گذشته و در اولین جلسه آشنایی به من از لزوم قدرت گرفتن جامعه ایرانی در حوزه قانون و دولت سخن گفته بود. از اینکه ما باید صدای خودمان را داشته باشیم. صدایی که در چنین بزنگاه‌هایی مقهور قدرت و ثروت یا سیاست‌بازی نشود و بتواند از حقانیت این کامیونیتی دفاع کند. صدایی که ایدئولوژی‌ش دفاع از مردم باشد. کانادا کشور وکیل و قانون و دادگاه و مجلس و اعمال قانون است. چقدر خوب می‌شد اگر مونترالی‌های ایرانی تبار راه و رسم خانه پدری را کنار گذاشته و به جای تشویق فرزندانشان به تحصیل پزشکی و مهندسی، گاهی هم آن‌ها را به سیاستمدار و وکیل شدن دعوت می‌کردند. مصطلح است که اگر کسی عمل نپخته‌ای انجام دهد و یا سرش برای درگیری درد کند، می‌گویند فلانی کله‌اش بوی قورمه‌سبزی می‌دهد. اما راستش این است که این کامیونیتی به سیاستمداری که بوی قورمه‌سبزی، خاطرات کودکی و چهره مادر را به یادش می‌آورد، شدیداً نیاز دارد.

سید محمد کرمانی



ICP Immigration Inc.

**معصومه علی محمدی
(بهبانی)**

عضو رسمی شورای

مشاوران مهاجرت به کانادا



موبایل : 514-778-9011

دفتر کانادا : 514-289-9044

فاکس : 514-289-9022

دفتر تهران : 021-2289-4567

تماس مستقیم از ایران : 021-8531-2878

info@icpimmigration.com

www.icpimmigration.com

**1117 Ste.Catherine west, suite 511
Montreal, Quebec, Canada, H3B 1H9**

icccrc
IMMIGRATION CONSULTANTS OF
CANADA REGULATORY COUNCIL



crcic
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA

مجسمه یادبود نیکلاس کوپرنیک،
یکی از پایه گذاران نظام خورشید
مرکزی منظومه شمسی در کنار
آسمان‌نمای مونترال

محل: مجموعه المپیک مونترال



کانادا به جنگ «خبرهای جعلی» می‌رود



با نزدیک شدن به زمان انتخابات استان کبک در اکتبر امسال و انتخابات فدرال در سال آینده، دولت کانادا اعلام کرد که طرحی برای مبارزه با خبرهای تقلبی (Fake news) و برخورد با رسانه‌های دیجیتالی غیر معتبر در دستور کار دارد.

این برنامه که در راستای طرح «دولت باز»، دسترسی آزاد به اطلاعات و شفافیت تنظیم شده است، به مردم تضمین خواهد داد دولت از مبنای آزادی و دموکراسی حمایت می‌کند.

اخبار جعلی معمولاً در زمان انتخابات یک هدف بزرگ دارند و آن هم واداشتن مردم از مشارکت بیشتر است. مهمترین هدف این طرح اما جلوگیری از ناامیدی مردم برای مشارکت در سرنوشت خود از طریق صندوق‌های رأی است. دولت کانادا از همین الان از طریق چند مرکز و مؤسسه عملیات محافظت از درستی انتخابات سال ۲۰۱۹ را آغاز کرده است.

موضوع «خبرهای تقلبی» مخصوصاً بعد از انتخابات سال ۲۰۱۶ در آمریکا بر سر زبان‌ها افتاده است. دموکرات‌ها که بازنده آن انتخابات بودند معتقدند یک کمپین «خبرهای دروغین» از طرف روسیه، باعث آسیب جدی به کاندیدای متبوع آن‌ها، هیلاری کلینتون شده است. از سوی دیگر جمهوری خواهان که با ریاست جمهوری دونالد ترامپ پیروز انتخابات بودند، معتقدند یک کمپین «خبرهای جعلی» مشغول بی‌اعتبار کردن رئیس‌جمهور فعلی است.

تیراندازی در تورونتو



ساعت ۱۰ یکشنبه، ۲۲ ژوئیه، تیراندازی به سوی مردم در تورونتو دو کشته و ۱۲ زخمی برجای گذاشت. متهم این تیراندازی، فیصل حسین ساکن تورونتو بود که به گفته والدینش سابقه بیماری روانی داشت. او خود در این حادثه کشته شده اما پلیس می‌گوید تبادل آتشی با وی نداشته و هنوز نمی‌داند او

چگونه هدف قرار گرفته است. «ریز فالون» ۱۸ ساله (تصویر بالا) و «جولیان کوزی»، ۱۰ ساله (تصویر پایین) دو قربانی این حادثه بودند که جان خود را از دست دادند. داعش مسئولیت این حمله را برعهده گرفت اما پلیس تورنتو می‌گوید مدرکی در دست ندارد که این موضوع را ثابت کند و حادثه، هنوز تروریستی ارزیابی نشده است.

وضعیت بهتر مادران شاغل در کبک نسبت به انتاریو



Montreal Gazette: زنان کبکی به لطف سیاست‌های دولت استان در حمایت و پرداخت هزینه‌های مهدکودک، وضعیت بهتری نسبت به هم‌تایان انتاریویی خود در بازار کار دارند. از سال ۲۰۰۳ درصد زنان شاغل کبکی همواره بیشتر از استان انتاریو بوده است. این در حالی است که آمار از آن سال تا سال ۲۰۱۶ در کبک

روندی افزایشی داشته اما در انتاریو روندی کاهشی به خود گرفته است. در سال ۲۰۰۳ حدود ۷۸ درصد زنان کبکی مشغول به کار بوده‌اند که این آمار در سال ۲۰۱۶ به ۸۱ درصد رسیده است. آمار وقتی به زنان دارای فرزند کمتر از ۳ سال می‌رسد در کبک به شکل فزاینده‌ای رو به زیاد شدن است که این خود نشان‌دهنده نقش بزرگ مهدکودک‌های دولتی و امکانات رفاهی بیشتر مادران کبکی است.

از سال ۱۹۹۷، سیاست‌های دو استان کبک و انتاریو در زمینه پرداخت سوسید به مهدکودک و کمک هزینه خانواده‌های بچه‌دار شروع به تفاوت از یکدیگر کرد. هرچقدر کبک حمایت بیشتری اعمال می‌کرد و هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌شد، انتاریو سیستم را خصوصی‌تر و برمبنای بازار آزاد اداره می‌کرد.

کارشناسان می‌گویند برای مادرانی که مدتی طولانی مجبور به نگهداری از نوزادان خود در خانه شده‌اند، بازگشت به محیط کاری و رقابت با گروه جوان‌تری که موقعیت قبلی او را اشغال کرده‌اند، سخت‌تر می‌شود. از این‌رو وقتی مادری برای ۵ سال از کار دور ماند، اگر دوباره باردار نشود، باز هم بازگشت به کار برایش سخت است و امکان دارد برای همیشه خانه‌دار باقی بماند.

مهاجرت بین استانی جوانان کبکی



آمار جدید «موسسه اقتصادی مونترال» نشان می‌دهد در ۳۵ سال گذشته، هر سال ۷ هزار جوان کبکی به سایر استان‌های کانادا مهاجرت کرده‌اند. زبان فرانسه و دستمزد پایین در کبک، از دلایل مهاجرت بوده است. این درحالیست که به گفته مسئولان استانی، تعداد زیادی کارگاه و کارخانه کبکی این روزها برای یافتن نیروی کار با مشکل مواجه شده‌اند.

مزامت کنسرت‌های پارک ژان دراپو برای ساکنان اطراف



CBC: بعد از سال‌ها شکایت ساکنان اطراف پارک ژان دراپو درباره سروصدای غیرقابل تحمل دو کنسرت تابستانی «Heavy Montreal» و «Osheaga»، مسئولان شهرداری دست به کار شدند و با نصب ۳ دستگاه صوت‌سنج در سه منطقه مختلف پارک ژان دراپو اقدام به اندازه‌گیری میزان صدا در این منطقه کردند.

گفته می‌شود از نتایج این ارزیابی‌ها برای ایجاد تمهیدات کاهش آلودگی صوتی این دو کنسرت استفاده خواهد شد.

کنسرت Heavy Montreal از شنبه، ۲۸ ژوئیه به مدت دو روز و کنسرت اوشیگا از جمعه سوم اوت (آگوست) به مدت سه روز، در پارک ژان دراپو برگزار می‌شود. ساکنان محلی می‌گویند در روزهای برگزاری این دو کنسرت، حجم سروصدا به حدی است که شیشه‌های خانه تا پاسی از شب می‌لرزند.

بودجه برای ساخت بخش جدید در بیمارستان جنرال مونترال

CTV news: پنج‌شنبه گذشته گائتان برت (Gaetan Barrette) وزیر بهداشت استان کبک اعلام کرد که دولت استانی ۳۰۰ میلیون دلار بودجه برای ساخت یک بخش جدید جراحی و اورژانس در جنرال هاسپیتال مونترال (General Hospital Montreal) اختصاص داده است. اتاق‌های عمل قدیمی این بیمارستان برای تجهیزات مدرن جای کافی نداشتند.



بیمارستان جنرال مونترال در سال ۱۸۲۰ پایه‌گذاری شد و در سال ۱۹۵۰ به ساختمان فعلی نقل مکان کرد. در ۷۰ سال پیش و زمانیکه ساختمان بیمارستان ساخته می‌شد، این مجموعه شاهکار بیمارستانی زمان خود بود که خیلی زود به عنوان بیمارستان آموزشی در خدمت دانشگاه مک‌گیل قرار گرفت. انتظار می‌رود ساختمان جدید تا ۴ سال دیگر تکمیل شود.

درگذشت فیلمساز برجسته مونترالی



1310news: هاری گولکین (Harry Gulkin)، فیلمساز مونترالی، دوشنبه گذشته در سن ۹۰ سالگی درگذشت. معروف‌ترین ساخته او فیلم «دروغ‌هایی که پدرم به من گفت»، محصول ۱۹۷۵ است. او که در سال ۲۰۰۸ موفق به دریافت ویژه جشنواره فیلم و سریال کانادا شده بود در بین همکارانش به حمایت بی‌دریغ از محصولات سینمایی کانادایی مشهور بود.

گروه نوآیین در کنسرت ارغوان



مژگان شجریان برای مونترال «ارغوان» می خواند

مژگان شجریان، دختر استاد محمدرضا شجریان روز جمعه ۲۱ سپتامبر و در ادامه تور سال ۲۰۱۸ خود به مونترال خواهد آمد. به گزارش «مداد» مژگان شجریان در این کنسرت به همراهی گروه نو آیین در مونترال آواز سنتی خواهد خواند. تور ۲۰۱۸ گروه نو آیین از ونکوور در غرب کانادا آغاز می شود. کنسرت ونکوور برای هفتم سپتامبر برنامه ریزی شده است. آنها سپس به شهر Mesa در ایالت آریزونا، آمریکا می روند و بیست و یکم سپتامبر به مونترال خواهند آمد. بعد از اجرای مونترال گروه به تورونتو می رود تا آخرین اجرای تور را برگزار کند. هومن سیاه منصور بر گزارکننده این کنسرت در مونترال در گفتگو با خبرنگار «مداد» ضمن اعلام سالن «اسکار پیترسون» به عنوان محل برگزاری کنسرت اشاره کرد که فروش بلیت کنسرت مژگان شجریان به زودی از درگاه های آنلاین فروش بلیت آغاز می شود.



پریسا کوکلان

فرزندان شیمی

CHILDREN OF CHEMISTRY

چهارشنبه اول اوت، ساعت ۱۸، رقص
خیابانی رایگان
محل اجرا:

Intersection Prince-Arthur et Saint-Dominique



موضوع محوری این رقص مسئله‌ی مردانگی، پیچ‌وخم‌های آن و مفهومی است که در ذهن به وجود می‌آورد. هنرمند طراح رقص از حرکات موزون متناوب و متحد با اشاره به حرکات ورزشی برای طراحی آن یاری گرفته است. این برنامه در صورت بارش باران لغو خواهد شد.

هنر
زندگی

آسمان خیابان

LE CIEL RUE

پنج‌شنبه ۲ اوت، ساعت ۱۷:۳۰ و ۱۹، تئاتر رایگان
محل اجرا:

Maison de la culture Maisonneuve

آسمان خیابان در زمان و مکان گم می‌شود و صدای رؤیا را دنبال می‌کند. این نمایش از تئاتر به رقص پلی می‌زند و در فضایی شاعرانه و خواب گونه به شگفتی‌ها زندگی می‌بخشد. این هنرمندان نمایش خود را شعری بی‌کلام و بی‌مرز می‌دانند که در آن تنها محدودیت موجود خیال‌پردازی است.



هنر
زندگی

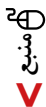
بالتازار

BALTHAZAR

پنج‌شنبه ۲ اوت، ساعت ۱۲، آواز و نمایش خیابانی رایگان
محل اجرا:

Square Phillips

بالتازار یک نمایش عروسکی است که در صحنه‌ای اجرا می‌شود که لوازم اصلی آن را یک کالسکه بچه و یک صندوق بزرگ تشکیل می‌دهند. داستان این نمایش زندگی «بالتازار» مرد کهن‌سالی را حکایت می‌کند که سابق بر این نوازنده‌ی آکاردئون و تبعیدی جنگی ناشناخته بوده است.



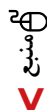
گتم و ساز تم تم

KATTAM ET SES TAM-TAM

جمعه ۳ اوت، ساعت ۱۸:۳۰، موسیقی خیابانی رایگان
محل اجرا:

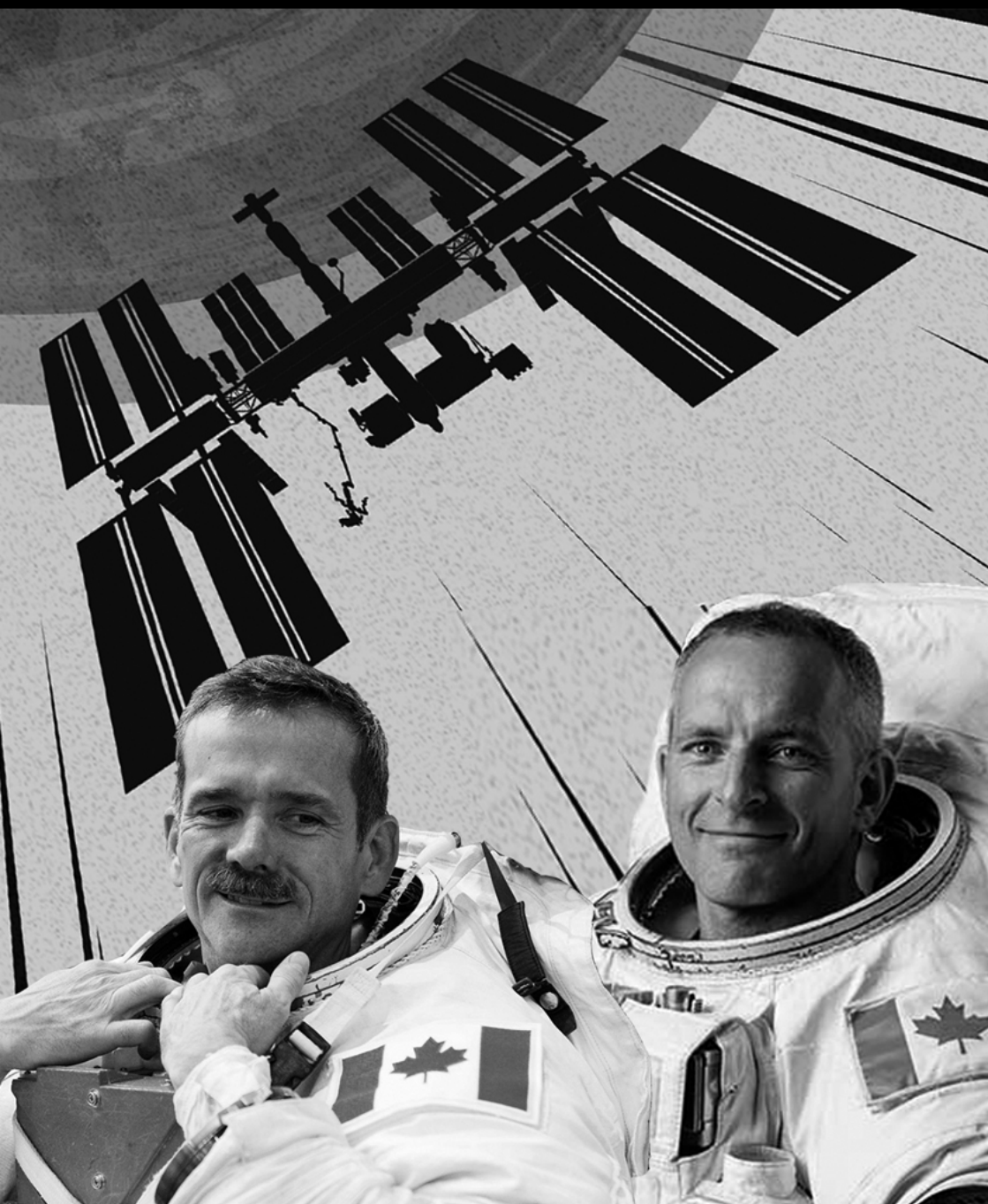
Parc Saint-Gabriel-Carré Hibernia

تم تم سازی کوبه‌ای است که در موسیقی شرقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این هنرمند نیز با نواختن این ساز برای اجرای برنامه‌ی خانوادگی خود، برای ایجاد ریتمی شاد همراه با رقص و برای شناساندن موسیقی آفریقایی، خاورمیانه و هند از آن استفاده می‌کند.



همه آنچه می خواهید درباره ماجراجویی های
فضایی کانادایی ها بدانید

میراث فضایی کانادا



مریم ایرانی این هفته، دیوید سن ژاک، David Saint-Jacques، فضانوردی که قرار است در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۸ یعنی حدود پنج ماه دیگر به عنوان جدیدترین فضانورد کانادایی به فضا سفر کند، به مناسبت ۴۹ امین سالگرد راه رفتن و فرود انسان بر روی ماه، به طور مستقیم درباره ماموریت جدید فضایی‌اش با مردم سخن گفت. او که متولد کبک سیتی در استان کبک است برای یک ماموریت مهم از طرف دولت کانادا انتخاب شده‌است. سن ژاک وارد ایستگاه فضایی بین‌المللی خواهد شد که در ارتفاع حدود ۴۰۰ کیلومتری سطح زمین در حال گردش به دور زمین است. ماموریت او بخشی از پروژه فضایی بین‌المللی کشور کانادا است که به نام فضانورد برجسته کانادایی، کریس هدفیلد Chris Hadfield نامگذاری شده است. هدفیلد در طی سفرهای فضایی‌اش یکی از مهمترین ماموریت‌های ایستگاه تحقیقاتی بین‌المللی (ISS) را پیش برد. تحقیقاتی که به بررسی اثرات زیست‌شناسی و گرانشی روی انسان در فضا می‌پردازد. او پروژه‌ای را برای تربیت و آموزش فضانوردان و دانشمندان جدید برای کار در ایستگاه فضایی آغاز کرد که به پروژه کریس هدفیلد شهرت دارد. دیوید سن ژاک کانادایی بعد از پنج سال بعنوان نماینده جدید کانادا در فضا برای مشارکت در این پروژه برگزیده شده است. قرار است دیوید سن ژاک هم در طی سفرش به فضا آزمایشات جدید علمی و نیز استفاده از تکنولوژی‌های رباتیک و جدید را امتحان کند. شاید به همین دلیل بهتر باشد نگاهی به فعالیت‌های فضایی کانادایی‌ها در طی سالیان گذشته انداخت.



آغاز ماجرا

ورود کانادا به داستان و ماجراهای فضایی به زمان جنگ جهانی دوم باز می‌گردد.

در آن زمان علاقه بسیار زیادی به مطالعه لایه بالایی جو زمین که دارای ذرات باردار بودند و قابلیت عبور امواج رادیویی و مادون قرمز را داشتند، در میان کانادایی‌ها ایجاد شده بود. اما ورود رسمی ماهواره‌های کانادایی به فضا سال‌ها بعد یعنی در حوالی دهه ۱۹۶۰ اتفاق افتاد. در سال ۱۹۶۲، برای اولین بار طی توافق‌نامه‌ای که با بخش هواشناسی ناسا در ایالات متحده صورت گرفته بود، کانادا توانست چهار ماهواره را وارد مدار زمین کند. در فاصله سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ کانادا برای ایجاد روابط تجاری بین‌المللی با سایر کشورها از طریق ارتباطات ماهواره‌ای برنامه‌ها و تلاش‌های بسیار زیادی را انجام داد.

در نهایت در سال ۱۹۶۹ مجلس فدرال کانادا حق داشتن یک ماهواره کانادایی بومی را که تله ست نام داشت تصویب کرد و در اوایل سال ۱۹۷۲ به طور رسمی این ماهواره بومی وارد فضا شد. به این ترتیب، کانادا اولین کشوری بود که یک سیستم ماهواره‌ای بومی و تجاری در مدار جغرافیایی زمین وارد می‌کرد این ماهواره‌ها با استفاده از تکنیک شناخته شده‌ای با عنوان تثبیت‌کننده چرخش که در آن آنتن ارتباطی و پلت فرم مرتبط با آن، به طور مداوم به سمت زمین حرکت می‌کند، در مدار قرار گرفتند.

این مجموعه توسط یک پیمانکار اصلی در ایالات متحده ساخته شد، اما مشارکت عمده صنعت کانادا در آن بی‌نظیر بود. بعد از این همکاری موفق بود که ناسا تصمیم گرفت، مسئولیت ساخت یک بازوی رباتیک را برای شاتل‌هایی که به فضا می‌فرستد به کانادایی‌ها بدهد. کانادا برای این سیستم منحصر به فرد که از راه دور تمام فعالیت‌های شاتل را کنترل می‌کرد صد میلیون دلار هزینه کرد. ساخت تمام این قطعات تماماً در اونتاریو انجام شد. نام این پروژه موفق را Canadarm گذاشتند.



نخستین زنان و مردان فضانورد کانادایی و تاسیس سازمان فضایی

در اوایل دهه ۸۰ میلادی، کانادا مصمم شد که بالاخره از نیروهای فضایی خود برای رفتن به فضا استفاده کند. ناسا با توجه به قابلیت‌ها و فعالیت‌های مثبت کانادایی‌ها این اجازه را بالاخره در سپتامبر ۱۹۸۲ برای سفر نخستین شش فضانورد کانادایی به فضا صادر کرد.

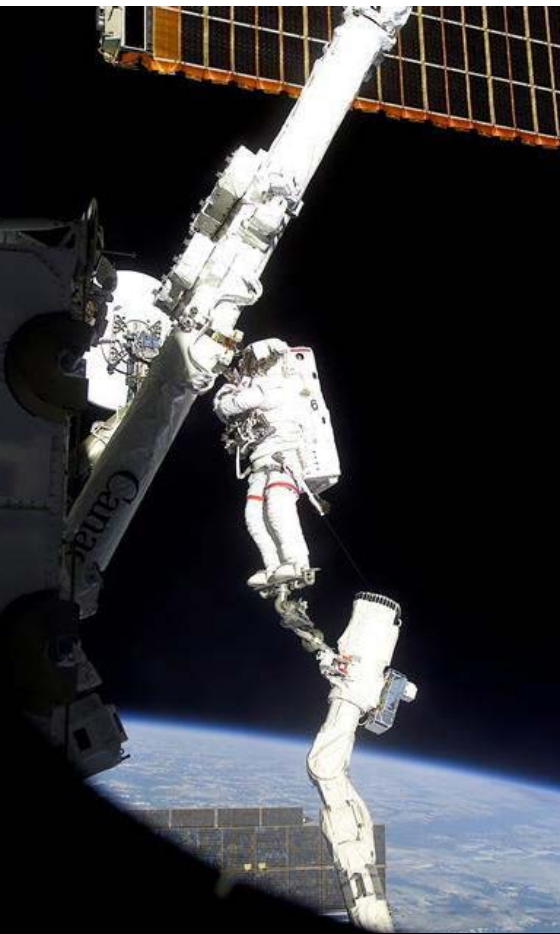
بعد از این موفقیت به یاد ماندنی کانادا توانست در سال ۱۹۸۹ سازمان فضایی‌اش به نام CSA را راه بیندازد. سه سال بعد، اولین فضانورد زن کانادایی به نام Roberta Bondar به فضا رفت. این موفقیت بزرگ راه را برای فضانورد زن بعدی که امروز چهره مهم و مشهوری در کانادا و فرماندار کل است یعنی جولی پیت Julie Payette باز کرد.

پیت که از قضا متولد مونترال و فارغ التحصیل مهندسی کامپیوتر از دانشگاه‌های مک‌گیل و تورنتو است در اولین ماموریت مهم کانادا برای فضا در سال ۱۹۹۲ انتخاب شد. هفت سال بعد او توانست اولین رییس ایستگاه فضایی کانادایی‌ها در ماموریت STS-96/2A.1 باشد. در فواصل سال‌های آخرین دهه ۹۰، کانادا به شدت روی ساخت مراکز آموزشی و تمرین دادن به فضانوردان و نیز ساخت ایستگاه‌های تحقیقاتی فضایی متمرکز شده بود. یکی از این مراکز مهم که در سال ۱۹۹۳ افتتاح شد، مرکز آموزش فضایی در استان کبک به نام Saint-Hubert، Longueuil است.

✓ جولی پیت اولین زن
فضانورد کانادایی که
ریاست یک ایستگاه
فضایی را بر عهده
گرفت و در حال
حاضر فرماندار
کانادا است

Roberta Bondar
اولین فضانورد زن کانادایی





پروژه کریس هدفیلد

کریس هدفیلد، یکی از مهمترین چهره‌های فضایی کانادا از اوایل سال‌های ۲۰۰۰ میلادی است که در بسیاری از پروژه‌های کلیدی سازمان فضایی کانادا نقش مهمی بازی کرده است. او که از نه سالگی در آرزوی فضا بود، هرگز تصور نمی‌کرد که روزی خود را در قالب یک فضانورد حرفه‌ای ببیند. در اواخر دهه ۱۹۶۰ که او این آرزو را در سر می‌پروراند، هنوز کانادا در صنایع فضایی حرفی برای گفتن نداشت. با این حال هدفیلد، گام به گام به آرزوی رسید. کمی پس از اینکه هدفیلد که در سال ۱۹۹۲ به عنوان فضانورد انتخاب شد،

برای انجام تمرینات تخصصی ماموریت در مرکز فضایی جانسون ناسا دعوت شد که در آن زمان برای کانادایی‌ها امتیاز نادری محسوب می‌شد. هدفیلد پیش از اینکه فضانورد شود یک خلبان کامل بود. وی کار خود را به عنوان دانشجوی دانشکده افسری هوایی کانادا آغاز کرده و ماموریت‌های پروازی فرماندهی دفاع فضایی آمریکای شمالی (نوراد) و دانشکده خلبان آزمایش نیروی هوایی آمریکا را اجرا کرد.

او تنها کانادایی است که به ایستگاه فضایی میر MIR سفر کرده است. در نوامبر سال ۱۹۹۵ میلادی در پی ماموریتی، کریس هدفیلد به عنوان نخستین کانادایی توانست هدایت بازوی طراحی شده پروژه Canadarm در شاتل فضایی ناسا را بعهده بگیرد. از این بازو در ماموریت STS-74 شاتل آتلانتیس برای نصب یک ماژول الحاق روسی در سیستم الحاق این مدار گرد استفاده شد تا شاتل بتواند به ایستگاه متصل شود.

در آوریل سال ۲۰۰۱ کریس هدفیلد، توانست عنوان نخستین کانادایی را هم که در ماموریت راه رفتن در فضا شرکت می‌کرد به دست بیاورد. او برای دقایق نسبتاً طولانی در فضا روی تعمیر بخشی از بازویر باتیک شاتل فضایی مشغول به کار شد که لحظاتی پرافتخار برای صنایع کانادا

به شمار می‌رود هدفیلد این ماموریت را یکی از معنادارترین تجربیات فضاوردی خود می‌دانسته‌است. شاید مهمترین تاثیر او در پروژه‌های فضایی کانادا، همین ماموریت بود. زیرا هدف اصلی دو پیاده‌روی فضایی هدفیلد، نصب بازوی پیشرفته‌تر رباتیک Canadarm شماره دو بود. این بازو بیشتر در زمان ساخت ایستگاه فضایی بین‌المللی ISS مورد استفاده قرار گرفت و هنوز کاربرد دارد.



کلنل کریس هدفیلد، نویسنده سه کتاب بین‌المللی پرفروش در سراسر دنیا است. دو کتاب اول یعنی *An Astronaut's Guide to Life on Earth* و *You Are Here* برای بزرگسالان و کتاب سوم *The Darkest Dark* برای کودکان نوشته شده‌است. کریس هدفیلد اولین بار در حین ماموریتش در ایستگاه فضایی روسیه که میر نام دارد، در فضا با گیتارش آهنگی به نام «شگفتی فضایی» را اجرا کرد که به شدت مورد توجه قرار گرفت. سپس در اکتبر سال ۲۰۱۵ میلادی از قطعاتی که در فضا با گیتار نواخته بود آلبومی موسیقی به نام «نشست‌های فضا: ترانه‌هایی از قوطی حلبی» به بازار عرضه کرد. این آلبوم شامل یازده آهنگ است که او هنگامی که در سال ۲۰۱۳ فرمانده ایستگاه فضایی بوده، نوشته و خوانده و گیتارش را نواخته است.

هدفیلد بطور منظم در ایستگاه فضایی با گیتار خود آهنگ می‌نواخت و بویژه این کار را در پنجره نمای کوپولا که به سمت زمین بوده، انجام می‌داد. تا نیمه ژوئن ۲۰۱۳ این فیلم‌ها روی هم رفته ۳۰ میلیون بار دیده شدند. او در حال حاضر یکی از تهیه‌کنندگان اصلی سری مستندهای بی بی سی به نام *Astronauts* است و به همراه ویل اسمیت اجرای برنامه‌ای به نام *One Strange Rock* برای مجموعه برنامه‌های نشنال جئوگرافیک را بر عهده دارد. به علاوه مجموعه سخنرانی‌هایی که در *Ted* کرده، هدفیلد برای کانال یوتیوب سری مستندهای *Rare Earth* را هم تهیه کرده است. همچنین او در بسیاری از پروژه‌های کم‌دی و موسیقی که با علم و فضا شوخی می‌کنند، مشارکت می‌کند.

هدفیلد در ماموریت فضاپیمای سایوز در دسامبر ۲۰۱۲ به مقصد ایستگاه فضایی بین‌المللی شرکت کرد. هدفیلد در آن زمان گفته بود که این ماموریت که شامل فرماندهی اکسپدیشن ۳۵ (Expedition 35) بود، اوج یک عمر تمرینات وی بوده است. این ماموریت یکی از طولانی‌ترین ماموریت‌های فضایی ناسا به شمار می‌رود.

هدفیلد در این ماموریت با آشکارسازهای تابش مورد استفاده در ایستگاه فضایی در سال ۲۰۱۳ عکس‌های زیادی انداخته است. هدفیلد همچنین بیش از ۱۴۰ فیلم که بیشتر آموزشی بودند، در فضا آماده کرد. او در سال ۲۰۱۴ به نفع دو فضاورد کانادایی دیگر یعنی دیوید سن ژاک و جرمی هانسن از فضا کناره‌گیری کرد و هم اکنون استاد دانشگاه واترلو است. کریس بدون هیچ واژه‌ای، جذاب‌ترین لحظه‌اش را زمانی توصیف می‌کند که در عالم تنه‌است و دنیا با سرعت ۲۸۰۰ کیلومتر بر ساعت از کنارش گذر می‌کند. وقتی او به سمت راست خود از پنجره ایستگاه فضایی نگاه کند، عالمی را در برابر خود می‌بیند که در همه سو حرکت می‌کند: «زمانی که سوار بر سفینه باشید در کی نامحدود از دنیا را دریافت خواهید کرد که در غیر این صورت در هیچ شرایطی ممکن نیست.»

هدفیلد مشتاقانه می‌گوید زمانی علاقه‌اش به زمین مستحکم شد که آن را از نمایی نادر مشاهده کرد. با این حال، وی متأسف است که ما ساکنین زمین نمی‌توانیم هیچگاه در شرایط بی‌وزنی زندگی کنیم. او اعتقاد دارد که جاذبه بی‌نهایت ستمگر است.



پروژه فضایی آینده کانادا «چشم اندازی بر قدرت رویاها»

دیوید سن ژاک کانادایی دیگری است که اکنون در ادامه سایر پروژه‌های موفق سازمان فضایی کانادا باید به ایستگاه فضایی بین‌المللی برود. او که یک پزشک خانواده است، هم اکنون در سنت لامبرت در استان کبک زندگی می‌کند. او به خوبی برای مأموریت جدید واجد شرایط است. سن ژاک در کنار تحصیلات پزشکی خود که در دانشگاه لؤل در کبک سیتی انجام داده است، دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی هوافضا و فیزیک است. او همچنین دارای سابقه خلبانی هم هست. سن ژاک مأموریتی را که در آن شرکت کرده «چشم‌انداز» یا Perspective نامیده است.

از نظر او این یک پروژه برای خوب دیدن «زمین» است. جایی که روی آن زندگی می‌کنیم. او در این باره می‌گوید: «من همیشه حسم این است که

ما تمام این سختی‌ها و هزینه‌ها را برای خارج شدن از زمین می‌کنیم که بتوانیم بهتر به آن نگاه کنیم. به جایی که خانه همیشگی ما است. این حقیقت است. توپ زیبایی که در یک زمینه سیاه متمایل به بنفش روی کهکشان می‌چرخد. نفس می‌کشد و حساس و شکننده است. تنها پناهگاه ما در کهکشان بی‌پایان عالم که در برابرش مسئول هستیم.»

مأموریت دیوید سن ژاک نشان دهنده قدرت رویاها است. با پرورش خلاقیت و نبوغ انسان، رویاها منجر به پیشرفت می‌شوند. همچنین نقش اصلی را که اکتشافات فضایی در تکامل چشم‌انداز ما از زندگی در زمین بازی کرده است، برجسته می‌کنند.

دیوید سن ژاک درباره احساس‌اش درباره این پروژه مهم چنین می‌گوید: «این یک فرصت بزرگ است.»



نماد مأموریت سن ژاک

دنباله ستاره از چهار رنگ تشکیل شده است. قرمز (انرژی و شور)، نارنجی (خلاقیت) و سفید (علم) که برای نشان دادن توانایی انسان برای نوآوری و گذر از محدودیت‌ها برای رسیدن به رویاهای آینده است. بخش آبی شکل هلالی، شبیه بازتاب یک لنز است و نماد همکاری بین‌المللی برای برنامه فضایی در گذشته، حال و آینده است.

چهار ستاره دیگر نشان‌دهنده مردان و زنانی است که در پشت صحنه کار می‌کنند و تمام استعداد‌های خود را به کار می‌اندازند تا این مأموریت کانادایی موفق شود. آنها همچنین خانواده فضانورد را مشخص می‌کنند، که بیشترین تأثیر در موفقیت یک فضانورد را دارند.

یک امتیاز ویژه که به نمایندگی از طرف همه کانادایی ها، برای ترک سیاره زمین و برای رفتن به زندگی در یک سفینه فضایی به من داده شده است. من دلم می‌خواهد روزی سفینه فضایی انسان دوستی به فضا برود. روزی که ما انسانیت را در کهکشان پراکنده کنیم و اگر همه چیز خوب پیش رود، این رویا به حقیقت خواهد پیوست.

فضانوردان جدید کانادایی خیلی خوب برای سفرهای فضایی در ایستگاه فضایی نزدیک مونترال آموزش می‌بینند. همه آنها هدف و اشتیاقشان شرکت در پروژه بزرگ اکتشاف کانادایی فضایی (کریس هدفیلد) است. این یک میراث بزرگ است. میراثی که به همه برای مشارکت خوش آمد می‌گوید و می‌خواهد همه چیز را قابل دسترس کند. کریس هدفیلد برای من منبع الهام بخشی بزرگی است. چون به طرز قابل باوری خودش است. او دنبال این نیست که از خودش یک ابرقهرمان بسازد. او می‌خواهد خودش باشد. درسی که من از او گرفتم این است که خودم باشم و به کارم ادامه بدهم و در مأموریت‌هایم از تجربه های شخصی‌ام استفاده کنم. بعد این تجربه ها را به اشتراک می‌گذارم.» سن ژاک اعتقاد دارد: «ایستگاه فضایی یکی از موفقیت‌های ما است. مانند داستان های علمی تخیلی است. پیچیده‌ترین چیزی که بشر ساخته است. یک معجزه است. اما معجزه همکاری. این پدیده را ۱۶ ملیت مختلف با مشارکت هم ساخته اند. و همین برایم آن را جذاب تر می‌کند. افرادی که ۱۵ سال است روی زمین زندگی نکرده اند تا رازهای فضا را پیدا کنند و زمین را بهتر بشناسند. ما آموخته‌ایم تا روزی بتوانیم در فضا هم زندگی کنیم. ما رویای زندگی در مریخ را داریم. کانادایی‌ها امروز بابت مشارکت در این پروژه به خود می‌بالند زیرا ما هم بخشی از ملیت‌هایی هستیم که مرزهای انسانیت را جابجا می‌کنیم.»

✓ تصویری که هدفیلد از ایستگاه فضایی
از شهر تهران گرفت و در شبکه های
اجتماعی اش منتشر کرد



تسهیل در دریافت وام مسکن برای صاحبان کسب و کار

امیرحسین عبدلی ناصر افرادی که کسب و کار خود را دارند معمولاً در راه گرفتن وام مسکن با مشکلات بیشتری نسبت به کارمندان سازمان‌ها یا شرکت‌های بزرگ مواجه هستند. دلیل اصلی این مشکل هم نداشتن درآمد ثابت ماهیانه است.

شرکت وام مسکن در کانادا (CMHC) برای حل این مشکل درصدد است تا تسهیلات ویژه‌ای را مهیا کند

بر اساس اعلام این شرکت؛ حدود پانزده درصد جمعیت کانادا را افراد خود اشتغال تشکیل می‌دهد و این افراد به دلیل متغیر بودن درآمدشان و اینکه ممکن است حقوق ماهیانه‌ای کمتر از مبلغ پیش‌بینی شده دریافت کنند، واجد شرایط گرفتن وام مسکن نمی‌شوند.

طبق تغییراتی که توسط آژانس بیمه صندوق فدرال اعمال شده است، اختیاراتی به وام‌دهندگان داده می‌شود تا در رابطه با افراد خود اشتغال انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند.

با توجه به تغییرات ایجاد شده، شرکت‌های مالی می‌توانند با در نظر گرفتن یک سری شرایط، به افرادی که به صورت خود اشتغال، به مدت دو سال یا کمتر در حرفه خود کار می‌کنند، وام اهدا کنند.

از جمله این شرایط می‌توان به خرید یک کسب و کار ساده، داشتن پس‌انداز کافی نقدی، درآمد قابل پیش‌بینی و تحصیلات و مهارت قبلی اشاره کرد.



افرادی که برای درخواست وام مراجعه می‌کنند، باید لیستی از مدارکی را تهیه کنند که نشان دهد؛ این افراد از درآمد مناسبی برخوردار هستند و واجد شرایط دریافت وام مسکن می‌باشند. با این حال، از تاریخ اول اکتبر، قوانین جدیدی در جهت ارائه مدارک وضع می‌شود که شامل؛ فرم مالیاتی عمومی T1، مدرک اظهارنامه درآمد از اداره کار کانادا و فرم تجربیات حرفه‌ای و تجاری T2125 می‌باشد.

رومی باورس (Romy Bowers)، افسر ارشد تجاری آژانس اعلام کرد؛ تغییرات در این زمینه باعث می‌شود، افرا خود اشتغال، بیمه وام مسکن را از CMHC دریافت کنند و از مزایای بهره رقابتی آن استفاده کنند. وام گیرندگانی که ۲۰ درصد یا کمتر از ارزش ملک را وام بگیرند باید بیمه وام مسکن را تهیه کنند.

سینتیا هولمز (Cynthia Holmes)، رئیس بخش مدیریت املاک در دانشکده مدیریت تد راجرز دانشگاه رایسون می‌گوید؛ چالش اصلی افراد خود اشتغال برای دریافت وام، ارائه مدارک درآمدی بود که به لطف قوانین جدید، انعطاف‌پذیری در آنچه که وام دهندگان می‌توانند بپذیرند را افزایش می‌دهد.

هولمز همچنین اضافه کرد؛ باعث خوشحالیست که می‌بیند شرکت CMHC، انعطاف بیشتری نسبت به افرادی که زیر ۲ سال است شغل خود را راه‌اندازی کرده‌اند، نشان می‌دهد. این تغییرات به جوانان خود اشتغال کمک می‌کند تا سریعتر به وام مسکن دسترسی پیدا کنند تا به عنوان پشتیبانی، از آن برای نوآوری و حرفه خود استفاده کنند. وبسایت مقایسه وام مسکن SignsToTheMaking.com جزئیات تغییرات تازه را اعلام کرده است.



FONDATION
ParsA
FOUNDATION



سومین گردهمایی سالانه

متخصصان ایرانی

در استان کبک

Le 3^e Symposium Annuel des Professionnels
Iraniens au Québec

The 3rd Annual Symposium of Iranian
Professionals in Quebec

September 9th, 2018



Concordia University Conference Centre

John Molson School of Business (JMSB),
MB 9 CD (9th floor) 1450 Guy St. Montreal,
QC H3H0A1

Info: canadasymposium.ca

+1 514 979 4551

جشنواره Orientalys

دیدار شرق و غرب در مونترال

پریسا کوکلان جشنواره Orientalys، هر سال تابستان به منظور تبادل فرهنگی میان شرق و غرب و معرفی فرهنگ مشرق زمین در بندر قدیمی شهر مونترال برگزار می‌شود. این جشنواره هر سال هنرمندانی را از سه قاره، از شمال آفریقا، با گذر از اروپا تا چین گرد هم می‌آورد. کشورهای دیگر اسپانیا، ترکیه، سوریه، لبنان، ایران، کامبوج، هند، ژاپن و کشورهای دیگر در این جشنواره شرکت می‌کنند.

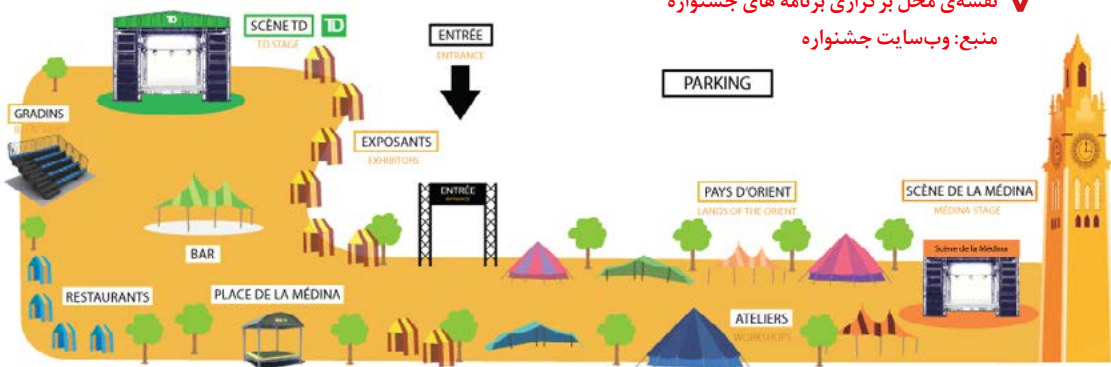
برنامه‌های این جشنواره که همگی رایگان هستند، شامل نمایش، کارگاه‌های هنری، سرگرمی، نمایشگاه و فعالیت‌هایی برای کودکان و بزرگسالان می‌شوند.

این جشنواره شهرک کوچکی را با استفاده از المان‌های فرهنگ‌ها و هنرهای شرقی برپا می‌کند، تا مخاطب با ورود به آن خود را در فضای فرهنگی حاکم بر این ملل حس کند. در این میان بازارچه‌هایی نیز برای ارائه‌ی محصولات ملی، غذایی، هنری و فرهنگی این کشورها در نظر گرفته می‌شود.

این جشنواره هر سال به همت Alchimies, Créations et Cultures برگزار می‌گردد. این مرکز غیرانتفاعی هدف خود از برگزاری این دست برنامه‌ها را آشنایی ملل و فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر می‌داند و از هنر در غرب و شرق برای ساختن این پل و ایجاد گفتگوی فرهنگی مدد می‌جوید. جشنواره Orientalys از روز پنج‌شنبه ۲ اوت تا یکشنبه ۵ اوت در بندر قدیمی مونترال Vieux-Port، برقرار خواهد بود. برای اطلاعات از برنامه‌های این جشنواره می‌توانید به سایت [Orientalys](#) یا صفحه‌ی فیس‌بوک [Orientalys](#) مراجعه فرمایید. مداد هم تعدادی از این برنامه‌ها را به شما معرفی می‌کند.

نقشه‌ی محل برگزاری برنامه‌های جشنواره

منبع: وب‌سایت جشنواره



پنجشنبه ۲ اوت

دَفیلَه مُد، الجزائر
DÉFILÉ ALGÉRIEN

ساعت ۲۰:۴۵

محل اجرا : Scène de la Médina

Nabila Birem Melouli، نقاش و طراح زیورآلات این بار طرح‌هایی با الهام از لباس‌های محلی و سنتی کشور خود را نمایش می‌دهد. در ادامه‌ی این برنامه Linda Blues آواز خواهد خواند.

موسیقی، مراکش

وقتی مغرب آواز شرق سر می‌دهد!

MOHAMED RIFI

QUAND LE MAGHREB CHANTE

L'ORIENT !

ساعت ۲۱:۳۰

محل اجرا : Scène TD

محمد ریفی از خوانندگان موسیقی سنتی عربی است که به خاطر اجراهایش در دو نوع موسیقی مغرب (آفریقای شمالی) و خاورمیانه شناخته می‌شود. این برنامه در جهت حفظ قطعات بزرگ موسیقی کلاسیک عربی در نظر گرفته شده است.



جمعه ۳ اوت

کارگاه خطاطی

پارسی

CALLIGRAPHIE

PERSANE

ساعت ۱۵:۳۰

محل اجرا : Ateliers





کارگاه تنبک ایرانی PERCUSSION IRANIENNE, TOMBAK

ساعت ۱۶:۳۰

محل اجرا : Ateliers

موسیقی، الجزایر

NAÏMA ABABSA

ساعت ۲۱:۳۰
محل اجرا : Scène TD

با الهام از شب‌های تابستانی در الجزایر این هنرمند مشهور در دنیای عرب شبی شاد، همراه با نوا و رقص در موسیقی این سرزمین را برپا می‌کند. قطعاتی که او اجرا می‌کند برگرفته از موسیقی سنتی و جشن‌های کشور الجزایر هستند.



شنبه ۴ اوت



کارگاه زیورآلات فلسطینی

BIJOUX PALESTI-
NIENS

ساعت ۱۷

محل اجرا : Ateliers

رقص حماسی تایلند

DANSES DE RAMAKIEN, UNE ÉPOPEE THAÏLANDAISE

ساعت ۱۸:۱۵

محل اجرا : Scène TD

حماسه‌ی Ramakien یا پیروزی سلطان راما از افسانه‌های مشهور تایلند است. با استفاده از ماسک‌ها و پوشش رنگارنگ، موسیقی و رقص سنتی این سرزمین، این افسانه برای مخاطب حکایت می‌شود.



موسیقی، ایران
ماندانا روشن

MANDANA ROSHAN

ساعت ۱۹:۴۵

محل اجرا : Scène de la Médina

ماندانا روشن به همراهی خواننده و نوازنده‌ی گیتار مهران تاجیک، برای مخاطبان موسیقی پاپ ایرانی اجرا می‌کند.



موسیقی، سوریه

مستان سوریه

IVRES DE SYRIE

ساعت ۲۱:۳۰

محل اجرا : Scène TD

احمد ازرق Ahmad Azrak خواننده‌ی سوریه، با تملیق موسیقی سنتی و معاصر این کشور مخاطبش را به رقص و پای کوبی وامی‌دارد. این کنسرت موسیقی می‌تواند شب پرشور و شاد شرقی را برای مخاطب به ارمغان بیاورد.



یکشنبه ۵ اوت

کارگاه رقص هندی

ATELIER DANSE INDIENNE

ساعت ۱۵:۳۰

محل اجرا : Scène de la Médina





ارکستر ایرانی جوانان مونترال

ORCHESTRE IRANIEN DE JEUNES ADULTES DE MONTREAL

ساعت ۱۷

محل اجرا : Scène de la Médina

این گروه موسیقی متشکل از کودکان و نوجوانان ایرانی پر استعداد ساکن مونترال است که سرودها و آوازهای سنتی پارسی را به همراهی سازهای ایرانی چون سنتور، دوتار، دهل و تنبک اجرا می کنند.

رقص، چین

بازگشت سیمرغ

HUA YUN, LE RETOUR DU PHOENIX

ساعت ۱۹:۳۰

محل اجرا : Scène TD

این گروه رقص چینی برای اجرای نمایش خود از رقص های کلاسیک چینی استفاده می کند. رنگ های پرحرارت، شور و جنبش هنرمندان که معرف فرهنگ هزاران ساله ی چین است، در این برنامه ستودنی است.



سیکاریو: روز سرباز

داستان ترور، مواد مخدر
و نبرد برای بقا در قاب
تصاویر رویایی

پیشنهادهای
مداد



پوریا ناظمی سال ۲۰۱۵، دنی ویلنوو، فیلمی را روانه پرده‌های سینما کرد که برخلاف ظاهر ساده و داستان به نظر تکراری‌اش توانست با استقبال غیر منتظره مخاطبان مواجه شود؛ سیکاریو. سیکاریو که با حضور ستارگانی چون املی بلانت، بنسیو دل‌تورو و جاش برولین به روی پرده‌های سینما آمد داستان گروهی از ماموران پلیس فدرال آمریکا و ماموران اداره مبارزه با مواد مخدر این کشور را نشان می‌داد که در تلاش برای توقف یکی از کارتل‌های مواد مخدر مکزیکی، گروه ضربتی را تشکیل می‌دهند. اما در دل این گروه ضربت همه انگیزه یکسانی ندارند و اهداف شخصی و انتقام‌جویی داستان را به پیش می‌برد. داستان مواد مخدر و مبارزه با آن در مرزهای جنوبی آمریکا داستان تازه‌ای نیست. اما آنچه این فیلم را جذاب می‌کند روایت خطی و ساده داستان، درخشش بازیگران در ایفای نقش، موسیقی تاثیر گذار و شاید از همه مهمتر نماهای درخشانی بود که هر یک از نماهای فیلم را به تابلو دلپذیری از رنگ و منظره بدل می‌کرد.

موفقیت خیره کننده این فیلم که از جمله سه نامزدی جایزه اسکار و نامزدی سه جایزه بفتا را برای آن به همراه آورد، استودیو فیلم سازی سونی را مصمم کرد که دنباله‌ای بر آن بسازد. داستانی که این بار بر شخصیت‌های آندو گیلیک (Alejandro Gillick) با بازی بنسیو دل‌تورو تمرکز دارد.

داستان این بار پیچیده تر شده است. پس از یک حمله تروریستی در شهر کانزاس، ایالات متحده تصمیم می‌گیرد به مبارزه با یکی از کارتل‌های مواد مخدر بپردازد که مشکوک به ورود غیر قانونی ستیزه‌جویان اسلام‌گرا به خاک آمریکا برای انجام فعالیت‌های تروریستی است. نقشه راه این کار ایجاد جنگ داخلی میان گروه‌های مواد مخدر این کشور است و بهترین وسیله استفاده از الخاندو گیلیک برای این کار.

سیکاریو: روز سرباز استفانو سولیمما، کارگردان ایتالیایی الاصل کارگردانی کرده است و اگرچه کماکان بازی‌ها در این فیلم جذاب و دیدنی است، اما فیلم نتوانسته است نظر منتقدان را مانند فیلم قبلی کسب کند. بخشی از این عدم موفقیت به موضوع داستان بر می‌گردد که در شرایطی که موضوع مرزهای جنوبی آمریکا و رفتاری که دولت آمریکا با پناه‌جویان و مهاجران انجام می‌دهد، فیلم به طور طبیعی موضوعی چالش‌برانگیز را دنبال می‌کند. از سوی دیگر به طور طبیعی فیلم تازگی قسمت قبل را ندارد و آنچه قسمت پیشین را برای مخاطب جذاب می‌کرد حالا آشنا است. با این وجود اگر به فیلم‌هایی با موضوع داستان‌های باندهای مواد مخدر و تعقیب و گریز و توطئه و شبکه‌های مافیایی علاقه‌مند هستید، این فیلم شاید در فهرست بهترین‌های ژانر قرار نگیرد اما برای مدتی که در سینما هستید مایوستان نمی‌کند اگرچه بعد از ترک سینما احتمالاً آن را فراموش خواهید کرد.





رامین جوادی «بازی تاج و تخت» را اجرا می‌کند

نغمه یخ و آتش در مونترال طنین انداز می‌شود

برای کسانی که به موسیقی فیلم علاقه‌مند هستند رامین جوادی نامی آشنا است. آهنگساز جوان دورگه آلمانی-ایرانی، این روزها یکی از ستاره‌های دنیای موسیقی است.

رامین جوادی که در سال ۱۹۷۴ در آلمان از پدری ایرانی و مادری آلمانی متولد شد، پس از پایان تحصیلات موسیقی خود به لس آنجلس رفت و در آنجا همکاری خود با موسیقی‌دان برجسته هانس زیمر را آغاز کرد و در کنار بخش‌های فنی در نوشتن قطعاتی از جمله برای موسیقی فیلم دزدان دریایی کارائیب او را همراهی کرد. در سال ۲۰۰۴ جوادی نخستین کار مستقل خود را با ساخت موسیقی برای فیلم بلید: ترینیتی، آغاز کرد و مسیر خود را در پیش گرفت. مسیری که به زودی او را به ستاره‌ای جهانی بدل کرد.



حتی اگر او را به نام نشناسید بعید است با یکی از آثار گوش‌نواز او آشنا نباشید.

رامین جوادی آهنگساز فیلم‌ها و سریال‌های چون «فرار از زندان»، «مرد آهنی»، «پاسیفیک ریم» است اما دو کار تازه او شاید نام او را در تاریخ موسیقی فیلم و سریال درخشان‌تر از همیشه کرده باشد.

رامین جوادی آهنگساز دو سریال محبوب و پر بیننده شبکه تلویزیونی HBO یعنی بازی تاج و تخت (Game of Thrones) و دنیای غرب (West World) است.

هر دو این مجموعه‌های تلویزیونی به آثار مهمی در تاریخ سریال سازی بدل شده‌اند و در هر دو آن‌ها موسیقی نقشی مهم و کلیدی را بازی می‌کند. بازی تاج و تخت که بر اساس مجموعه داستان‌های جی. آر. آر. مارتین تهیه شده است روایتی را در سرزمینی افسانه‌ای به نام وستروس روایت می‌کند. دنیای فانتزی که در آن جادو زنده است و خاندان‌های مختلف بر سر رسیدن به قدرت و نشستن بر اریکه سلطنت هفت پادشاهی در حال نبرد هستند و همزمان باید با ظهور زمستانی مرگ آور و لشکر مردگان نیز دست و پنجه نرم کنند.

ویژگی این مجموعه حماسی، در واقع گرایانه بودن آن است. در این داستان‌ها هیچ کس به دلیل خوب بودن محکوم به پیروزی نیست. بی گناهان قربانی می‌شود و چهره‌ای کریه ولی واقعی از جنگ و نیرنگ و دسیسه به تصویر کشیده می‌شود. اگرچه داستان در دنیایی فانتزی

می‌گذرد اما آن قدر بازی سیاست و حيله‌ها واقعی است که می‌توانید نمونه‌های عینی آن را در دنیای امروز ما ببینید و به همین دلیل این مجموعه را در رده فانتزی‌های سیاسی رده بندی می‌کنند.

نویسنده برای عمق بخشیدن به شخصیت‌ها و داستان‌های خود به تاریخ قرون وسطی مراجعه کرده و از رویدادهای واقعی نظیر جنگ‌های رز که میان خاندان‌های اروپای قرون وسطی درگرفته بود الهام گرفته است. همزمان با مطالعه در ادیان و مذاهب مختلف سعی کرده است ایده‌هایی برای پشتوانه ایده‌های خود پیدا کند.




اثر مارتین به یکی از مهم‌ترین داستان‌های فانتزی معاصر و پس از مجموعه ارباب حلقه‌ها بدل شده است و سریال تلویزیونی آن به یکی از محبوب‌ترین و در عین حال سدشکن‌ترین آثار تلویزیونی بدل شده است. سال آینده آخرین فصل این مجموعه به روی آنتن خواهد رفت ولی موفقیت این مجموعه چنان خیره‌کننده بوده است که از همین الان تهیه‌کنندگان شبکه HBO در حال تدارک سریالی دیگر در این دنیا و بر مبنای داستان‌های قدیم اشاره شده در این مجموعه هستند.

موسیقی در این مجموعه که عنوان اصلی آن «نغمه آتش و یخ» است نقشی اساسی دارد. برخی اوقات یک نوا و یک آواز به تهنایی باید بخشی از روایت داستان را به دوش بکشد. برای مثال قطعه موسیقی The Rains of Castamere که هشدار و اعلام غلبه خاندان لَنستر به شمار می‌رود نمونه‌ای از این آوازه‌ها است.

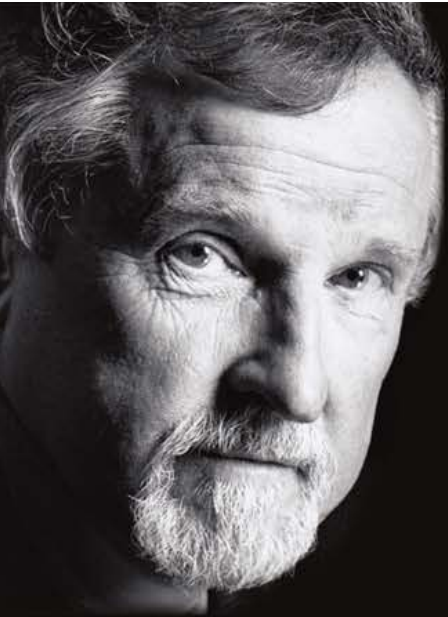
رامین جوادی برای تهیه موسیقی این مجموعه به فرهنگ‌های موسیقی مختلف نظر کرده و در عین حال که المان‌های آشنا را گردهم آورده اما در نهایت شما با فضایی اسطوره‌ای و فانتزی روبرو می‌شوید.

آهنگ تیتراژ آغازین این سریال شاید یکی از به‌خاطر سپردنی‌ترین موسیقی‌های تیتراژ در تاریخ تلویزیون باشد.

حالا رامین جوادی تور بزرگ خود را برای اجرای موسیقی این سریال آغاز کرده است. او که سال گذشته برای این اجرا به گوشه و کنار دنیا سفر کرده بود امسال بار دیگر به مونترال خواهد آمد و در روز جمعه دوازده اکتبر در سالن Bell  به اجرای نمایش/کنسرت «نغمه یخ و آتش» خواهد پرداخت.

اجرای که فراتر از یک کنسرت موسیقی است و به نمایشی خیره‌کننده از بازی نور و صدا بدل خواهد شد و مخاطب را با خود به درون دنیای شگفت‌انگیز سرزمین وستروس خواهد برد.





سرک به گذشته، سرکشی و سکوت

نگاهی به کتاب کلارا کلان
نوشته ریچارد بی. رایت

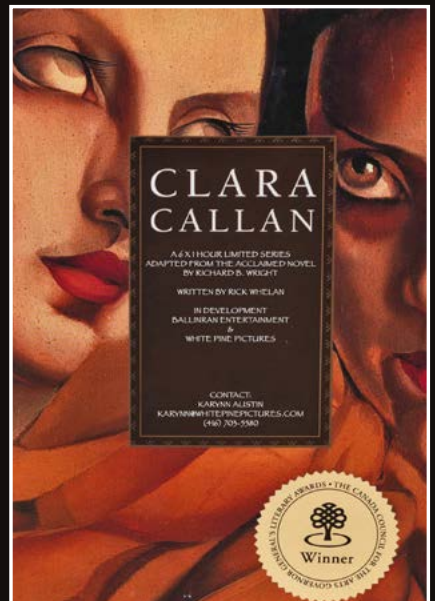
هدی حسینی کلارا کلان Clara Callan یکی از خود ما که نه، اصلا

خود هر کدام از ما زن‌ها می‌تواند باشد.

معلم سر به زیر مدرسه، دختر حرف گوش کن پدر با علائق و سلیقه‌های پذیرفته شده جامعه و به قول جوان‌های مدرن‌تر، دختر سنتی دوران خودش است. دختری آرام، معقول بیش از سن خود خردمند و فوق‌العاده محتاط.

اما از دست دادن پدر، مرور خاطرات پس از مرگ مادر در سال‌های کودکی‌اش و جدایی از خواهر کوچکتر، نورا، که روحیه سرکشی دارد و نقطه مقابل کلارا است او را در موقعیتی جدید قرار می‌دهد. موقعیتی که جنبه‌های جدیدی از شخصیت کلارا را نمایان می‌سازد. در ظاهر شخصیت معقول داستان که کمی بیش از سی سال دارد و شاید برای هم‌دوره‌های‌های خودش کمی جای تعجب دارد که هنوز ازدواج نکرده است، به تنهایی از پس اداره زندگی

اش و خانه بزرگ پدری برمی‌آید. از خانه نگهداری می‌کند و سرش به کار تدریس در مدرسه مشغول است. دل مشغولی‌اش موسیقی و کتاب است. اما اتفاق تلخی که برای او رخ می‌دهد و تا پس از مرگ آن را به صورت راز برای خود نگه می‌دارد، روی دیگری از این شخصیت را آشکار می‌کند. اتفاقات بعدی و انتخاب‌های کلارا او



را در موقعیت های پیچیده و بدی قرار می دهد که کم کم جایش در اشتباه کردن با خواهر کوچکتر عوض می شود. حالا او است که باید سرزنش های خواهر کوچکتر را بشنود و مخاطب خطابه های نصیحت آمیز نورا باشد و این او است که در مخمصه های ناشی از اشتباهات شخصی اش گرفتار می شود و حالا نورا است که باید به او کمک کند. ثمره این اشتباهات تا پس از مرگ کلارا باقی می ماند.

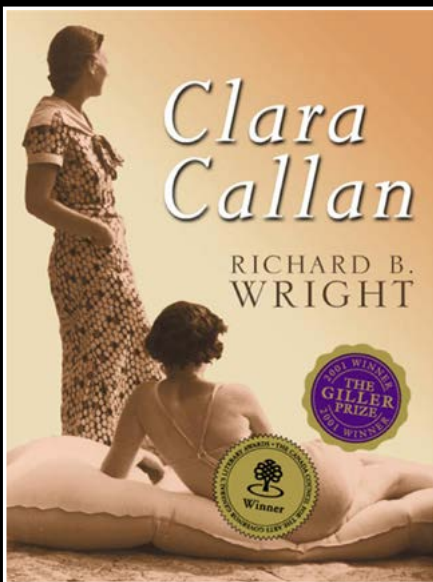
این کتاب مجموعه ای از نامه نگاری های بین دو خواهر به نامهای کلارا و نورا در دهه سی میلادی است و تصویر ملموسی را از کانادا و آمریکای آن دوره به دست می دهد.

خواهر بزرگتر در دهکده کوچکی به نام وایت فیلد در نزدیکی تورنتو زندگی می کند و خواهر کوچکتر در جستجوی رویاهایش به نیویورک نقل مکان کرده و در حرفه خودش موفق است. هر چه او در نیویورک بیشتر معروف می شود و مایه افتخار وایت فیلد است تغییرات زندگی کلارا او را به سمتی می برد که جایگاهش را در دهکده و در میان مردم از دست می دهد.

ریچارد بی رایت نویسنده کانادایی که سال گذشته درگذشت به خاطر نوشتن این کتاب سه جایزه معتبر کتاب کانادا را به خودش اختصاص داده بود.

جایزه گیلر Giller prize، جایزه تریلیوم Trillium book award و جایزه فرماندار کل Governer's general award.

انتشار کتاب «کلارا کلان» در سال ۲۰۰۱ چنان شهرت و اعتباری به او داد که باعث شد کتاب های قبلی اش هم دوباره مورد توجه قرار بگیرد. او ساکن سن کترین اونتاریو بود و عاشق قدم زدن، کتاب خواندن و موسیقی بود درست مثل خود کلارا. سربالی بر اساس این کتاب در مرحله پیش تولید قرار دارد که فیلمبرداری آن احتمالاً در پاییز ۲۰۱۹ آغاز و در سال ۲۰۲۰ یا ۲۰۲۱ آماده پخش خواهد شد.





افسانه‌های بومیان کانادا

شینگیسی

روایت: مارگرت بمیستر

روزی روزگاری اردک کوچکی بود به اسم شینگیس. او به تنهایی درون کلبه خودش به شادی و خوشحالی زندگی می‌کرد. کلبه او در ساحل یک دریاچه ساخته شده بود. زمانی که روزهای سرد زمستان از راه می‌رسیدند و دریاچه یخ می‌زد، بقیه اردک‌ها به سمت سرزمین‌های گرمتر کوچ می‌کردند، اما شینگیس، از سرما نمی‌ترسید. او چهار الوار بزرگ را جمع می‌کرد و به درون کلبه اش می‌آورد هر کدام از این الوارها آن قدر بزرگ بودند که هرکدامشان یک ماه طول می‌کشید تا بسوزند. چون فقط چهار ماه هوا سرد بود، این الوارها کافی بودند که او بتواند تا آخر زمستان را در خانه سپری کند. بعدش هر صبح به دریاچه می‌رفت و به دنبال جاهایی می‌گشت که نی‌ها از دل یخ بیرون زده‌اند. او با منقار قوی‌اش این نی‌ها را بیرون می‌کشید و از حفره‌ای که جای آن ایجاد شده بود ماهی می‌گرفت. یک بار باد شمال که اسمش کابی‌بونوکا بود او را دید و به خودش گفت: «این عجب موجود عجیبی است. در سردترین روزها بیرون می‌آید و آواز می‌خواند. اما من باید جلوی آواز خواندنش را بگیرم.» برای همین از شمال غرب فوت بزرگی کرد و باد سردی را ایجاد کرد.

بادی که دریاچه را تا عمق بیشتری منجمد کرد. با این وجود بازهم شینگبیس، هر روز صبح از خانه بیرون می‌آمد و ماهی‌اش را می‌گرفت و آواز خوان به خانه بر می‌گشت.

باد شما به خود گفت: «چه عجیب. من نمی‌توانم او را منجمد کنم پس می‌روم سری به کلبه‌اش بزنم شاید بتوانم آتشش را خاموش کنم.»
باد شمال دم کلبه رفت و در زد.

شینگبیس درون خانه بود او ماهی‌اش را پخته و خورده بود و الان جلوی آتش دراز کشیده بود و آواز می‌خواند.

او صدای باد شمال را دم در شنید اما خودش را به نشنیدن زد و با صدای بلندی به خواندن ادامه داد.

«دستت را خوب خواندم، خدای بادها، من

تو نمی‌توانی بشی رقیب من

فوت هم اگر کنی تو سردترین بادها را

نمی‌توانی یخ کنی شینگبیس را

بوز قوی ترین بادی که می‌توانی را

بین شینگبیس که می‌گیره جلوش را

هی! بین تو شادی و خوشی زندگی را

به آزادی شینگبیس دیده ای کس را؟»

باد شمال آواز او را شنید و خیلی عصبانی شد. او سردترین باد را از زیر در به درون کلبه او دمید.

شینگبیس سرما را احساس کرد اما باز هم به خواندنش ادامه داد. بعد، باد شمال در کلبه را باز کرد و به درون قدم گذاشت.

او کنار آتش نشست. شینگبیس وانمود کرد که او را ندیده است.



او به خواندن ادامه داد و بعد از مدتی میله اجاقش را برداشت و الوار فروزان را جابجا کرد. این کار باعث شد تا الوارها با درخشش بیشتری شروع به سوختن کنند. و چند دقیقه بعد اشک از گونه‌های کابیونوکا روان شدند. او صندلی اش را از آتش دور کرد و سعی کرد تا الوار فروزان را فوت کند. اما هوای گرم باد سرد را به عقب راند و مانند شنلی کابیونوکا را در بر گرفت. حالا دیگر اشک‌هایش مثل رودخانه از صورتش روان بودند و یخ‌های صورتش و یخ‌های روی ریش بلند و موهایش شروع به آب شدن کردن و مثل آب روی زمین روان شدند. او دیگر نمی‌توانست تحمل کند. بلند شد و عصبانی از در بیرون رفت و به خودش گفت: «من نمی‌توانم آتشش را خاموش کنم پس دریاچه را آن قدر عمیق یخ می‌زنم که دیگر نتواند ماهی بگیرد.»

برای همین اون شب سردترین باید که می‌توانست را به دریاچه فرستاد صبح روز بعد یخ روی دریاچه خیلی ضخیم شده بود. شینگیس شجاع کوچک از جایی به جای دیگر می‌رفت و سعی می‌کرد جایی برای ماهی‌گیری پیدا کند.

آخر سر توانست چند تایی نی از جایی که پیدا کرده بود را بیرون بکشد و چند تا ماهی تازه دید. او آواز خوانان ماهی‌ها را شکار کرد و باد شمال آواز او را شنید. او از خانه خودش می‌دید که شینگیس چه کار می‌کند اول خیلی عصبانی شد ولی بعد ترسید.

«حتما یک مانتئو* این اردک را کمک می‌کند. بعد از این باید او را در آرامش رها کنم.»

کابیونوکا این را گفت و درون خانه‌اش رفت و در کلبه‌اش را بست و شینگیس دیگر او را ندید.

*مانتئو روح یک جنگجوی بومی کشته شده است که اغلب اوقات به شکل یک حیوان به زندگی بر می‌گردد.



Clinique Dentaire
Villeray



کلینیک دندانپزشکی

ویلری

دکتر انوش عندلیبی

جراح دندانپزشک

تلفن: ۵۱۴۲۷۰۰۰۷۷

61, rue Villeray
métro De Castelnau
Montréal, Qc. H2R 1G2

وزن ایده آل شما چقدر است؟



وزن ایده آل نه از شکل ظاهری و نه در مقایسه با دیگران به دست می آید. بلکه به کمک شاخص هایی سنجیده می شود که ویژگی های شخصی شما را در نظر می گیرد.

مهرنوش اردلان بکتا توجه به ظاهر و تناسب بدنی، موضوعی است که در هر جمع و گروهی درباره آن می شنویم و تناسب وزن بدن در کانون این بحث ها قرار دارد.

بیشتر افراد برای سنجش خود، وزنشان را با وزن اطرافیان مقایسه می کنند و خود را چاق یا لاغر می خوانند.

بارها شده است که در جمع دوستان یا خانواده تان صحبت از اضافه وزن و چاقی می شود و شما در مورد این که اضافه وزن دارید یا نه با دوستان تان وارد بحث می شوید. حتی ممکن است در یک جمع، درباره یک نفر اختلاف نظر وجود داشته باشد. ممکن است شما فردی را بسیار متناسب بدانید ولی همان فرد از نگاه دوست دیگر تان لاغر محسوب شود.

کلماتی که برای توصیفات ظاهری به کار می روند کاملاً سلیقه ای و نسبی هستند و بیشتر بازتاب سلیقه فرد بیان کننده است تا مبتنی بر داده ای قابل استناد؛ اما آیا عدد و رقمی به عنوان معیار علمی برای توصیف تناسب وزن وجود دارد؟

چه وزنی برای بدن ما ایده آل است و می تواند تضمین کننده سلامت ما باشد؟ تناسب وزنی ایده آل به عوامل مختلفی مانند سن، جنسیت، شکل بدن، تراکم استخوانی، نسبت عضله به چربی، وضعیت کلی سلامتی بدن و قد وابسته است. بنابراین برای تعیین وزن ایده آل از شاخص های مختلفی استفاده می شود.

شاخص توده بدنی

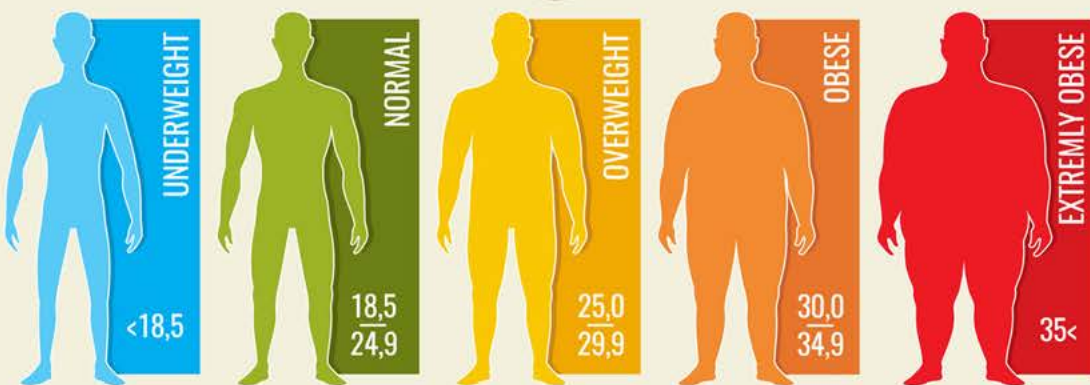
یکی از شاخص‌هایی که برای تعیین وزن متناسب استفاده می‌شود BMI (Body Mass Index) یا شاخص توده بدنی است. مقدار BMI از تقسیم وزن به کیلوگرم بر مجذور قد به متر به دست می‌آید. به طور مثال اگر فردی که ۱,۸ متر قد دارد و ۸۰ کیلوگرم وزن داشته باشد، BMI ۲۴,۶۹ خواهد داشت. سازمان بهداشت جهانی افراد را با توجه به میزان BMI شان به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند:

- ۱۵,۹ و کمتر در گروه بسیار لاغر؛
- ۱۸,۵ در گروه دارای کاهش وزن؛
- ۱۸,۵ تا ۲۴,۹ در گروه دارای وزن نرمال؛
- ۲۵ تا ۲۹,۹ دارای اضافه وزن؛
- ۳۰ تا ۳۹,۹ در گروه چاق؛
- ۴۰ و بالاتر در گروه چاقی مفرط.

در اینجا این نکته حایز اهمیت است که صرف دانستن BMI آگاهی کاملی درباره میزان چربی یا سلامت فرد به ما نمی‌دهد و بر طبق نظر اداره کنترل و پیشگیری بیماری‌های آمریکا، تنها می‌توان از این شاخص به عنوان ابزار غربالگری استفاده کرد.

یکی از ایراداتی که به این شاخص می‌توان وارد کرد در مورد میزان چربی است. چربی از عضله سبک‌تر است بنابراین این شاخص میزان چربی افراد چاق را کمتر از واقع و افراد ورزشکار را بیشتر از واقع برآورد می‌کند.

BODY MASS INDEX



نسبت دور کمر به لگن

شاخص دیگری که برای تعیین وزن متناسب استفاده می‌شود نسبت دور کمر به دور لگن (Waist-hip ratio) است. این شاخص از تقسیم میزان اندازه‌گیری شده دور کمر به دور باسن به دست می‌آید. کمر در اصطلاح به باریک‌ترین قسمت شکم گفته می‌شود (تقریباً ۲,۵ سانتی‌متر بالای ناف) و برای اندازه‌گیری دور لگن، پهن‌ترین قسمت دور باسن اندازه‌گیری می‌شود.

معمولاً افرادی که چربی بیشتر دور شکم دارند و هیکل به شکل سیب یا چاقی مدل مردانه است بیشتر از افرادی که هیکل گلابی شکل یا چاقی مدل زنانه دارند، ریسک بیماری‌های قلبی عروقی دارند.

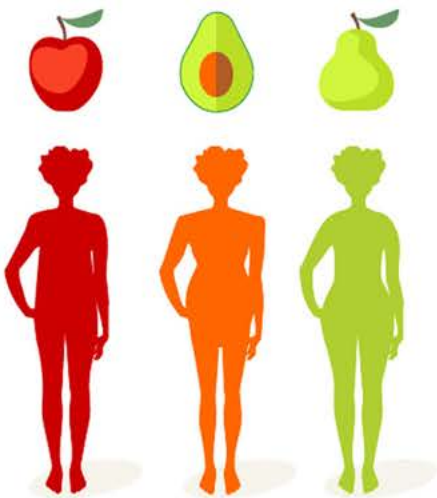
میزان WHR و خطر ایجاد بیماری قلبی عروقی در مردان:

- کمتر از ۰,۹، ریسک بسیار پایین؛
- بین ۰,۹ و ۰,۹۹، میزان ریسک متوسط؛
- بالاتر از ۱، ریسک بالا.

میزان WHR و خطر ایجاد بیماری قلبی عروقی در زنان:

- کمتر از ۰,۸، ریسک بسیار کم؛
- بین ۰,۸ تا ۰,۸۹، ریسک متوسط؛
- ۰,۹ و بالاتر که ریسک بسیار بالاست.

نسبت دور کمر شاخص بهتری نسبت به BMI برای پیشگویی میزان خطر بیماری‌ها در افراد است. زنان با WHR کمتر از ۰,۸ و مردان با شاخص کمتر از ۰,۹، ریسک کمتری برای انواع مختلف سرطان، اختلالات قلبی عروقی، دیابت و نازایی دارند. ولی همچنان WHR میزان چربی کل بدن و یا نسبت چربی به عضله را نمی‌تواند اندازه‌گیری کند.



What your Waist-to-Hip Ratio Means

WOMEN	HEALTH RISK	BODY SHAPE
0.80 or below	Low	Pear
0.81 to 0.85	Moderate	Avocado
0.85+	High	Apple
MEN	HEALTH RISK	BODY SHAPE
0.95 or below	Low	Pear
0.96 to 1.0	Moderate	Avocado
1.0+	High	Apple

درصد چربی بدن

درصد چربی بدن از طریق تقسیم وزن چربی بدن بر میزان وزن فرد به دست می‌آید. چربی‌های اساسی یا ضروری بدن میزان چربی‌هایی است که برای زنده ماندن به آن نیاز است. میزان این چربی‌ها در زنان بین ده تا سیزده درصد و در مردان بین دو تا پنج درصد است. مقداری هم چربی برای بافت چربی بدن که چربی را ذخیره می‌کند نیاز است. چنانچه درصد چربی بدن در زنان بیشتر از ۳۲ درصد و در مردان بیشتر از ۲۵ درصد باشد چاق محسوب می‌شوند. اندازه گیری چربی بدن سخت است و روش‌های گوناگونی برای آن وجود دارد.

برای اندازه‌گیری میزان تقریبی چربی بدن می‌توان از ابزارهای آنلاین استفاده کرد.

در مورد محاسبه BMI هم می‌توان از این محاسبه‌گر [اینترنتی](#) استفاده کرد.

نکته آخر این که برای زندگی سالم‌تر، افراد باید میزان چربی بدنی خود را کاهش دهند.

بدین منظور نهادهایی مانند انجمن ورزش آمریکا به افراد توصیه می‌کنند که تغذیه سالم داشته و ورزش منظم از جمله تمرینات مقاومتی داشته باشند تا چربی بیشتری سوزانده شود. چنانچه مایل به داشتن اطلاعات بیشتر در مورد میزان چربی بدن و نوع تغذیه خود هستید و یا نیاز به تغییر شکل بدنی خود دارید و یا نسبت به میزان خطر بیماری‌ها در مورد خود کنجکاو هستید، حتماً با پزشک خود مشورت کنید.





مهرنوش اردلان بکتا سال‌ها در ایران طبابت کرده و حالا اینجا در مونترال تلاش دارد با روزنامه‌نگاری، تجربیات خود را در اختیار شما قرار دهد. او پاسخگوی سؤالات شما در حوزه سلامتی خواهد بود. این پاسخ‌ها صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد. برای هرگونه درمانی باید به پزشک خود مراجعه کنید. سؤالات پزشکی خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

info@medad.ca

با سلام، مادرم که خانمی حدوداً ۶۰ ساله هستند و از حدود یک ماه قبل بر روی ناخن شست پای‌شان یک لکه زرد رنگ به وجود آمده است. به نظر می‌رسد که ناخن این انگشت ضخیم‌تر است و کمی زبری به دست می‌خورد. این تغییر رنگ ناخن فقط در این انگشت است و تغییری در بقیه انگشتان وجود ندارد. تشخیص شما چیست؟

با سلام به شما دوست عزیز. تغییر رنگ ناخن دلایل متفاوتی دارد که محتمل‌ترین تشخیص برای مادر شما قارچ ناخن می‌تواند باشد. این حالت هر فردی را می‌تواند درگیر کند اما اغلب در کسانی دیده می‌شود که پای‌شان بیشتر عرق می‌کند یا سیستم ایمنی ضعیف‌تری دارند و یا خون‌رسانی پا به خوبی صورت نمی‌گیرد. در مواردی، بیماری پسوریازیس زمانی که ناخن را درگیر کند این علائم را می‌دهد.

به طور کلی قارچ ناخن علائم حادی ندارد و تغییر رنگ ناخن شایع‌ترین نشانه بیماری است به دنبال آن ناخن قهوه‌ای‌تر می‌شود و گاهی در هنگام ناخن گرفتن بوی بدی استشمام می‌شود. این قارچ می‌تواند انگشتان دیگر پا را هم درگیر کند. اولین اقدام استفاده از درمان‌های بدون نسخه‌ای است که در داروخانه وجود دارد و روی آن واژه Antifungal درج شده که عمدتاً به صورت موضعی استفاده می‌شود. در کنار آن حتماً مواردی مانند شستن انگشتان پا به طور مرتب انجام و از لوسیون‌های مرطوب کننده پا استفاده شود. در صورتی که علائم جدیدی به وجود آید یا بعد از چند هفته با درمان، بهبودی مشاهده نشد به پزشک مراجعه کنید.

شما هم اگر سوالی در زمینه مسایل پزشکی و سلامت عمومی دارید می‌توانید با ما تماس بگیرید تا در این بخش به سوال شما پاسخ داده شود



کاربرد جدید، مصرف دوباره



به زندگی خلاقانه خوش آمدید

زینب یوسف زاده در مدیریت زباله راهکار مهم بعد از کاهش دادن آن، استفاده مجدد (Reuse) است. استفاده مجدد به هر فعالیتی گفته می‌شود که عمر مصرف وسایل را افزایش می‌دهد. تفاوت عمده این روش با بازیافت این است که آنچه دوباره به کار گرفته می‌شود، وارد فرآیند زمانبر و انرژی بر بازیافت نمی‌شود و به همین دلیل بر بازیافت ارجحیت دارد.

اگر قبل از آنکه وسیله‌ای را توی سطل آشغال بیاندازیم، یکبار دیگر تماشایش کنیم شاید بتوانیم کاربرد دیگر یا امکان مصرف دوباره‌ای در آن بیابیم که ما را از خرید جدیدی بی‌نیاز کند.

باور ما به محدودیت منابع، می‌تواند منجر به تغییری مثبت و خلاقانه در زندگی ما شود. رویکرد مثبتی که در عین حفاظت از منابع طبیعی، کیفیت‌های جدیدی را به زندگی ما می‌افزاید.

از آنچه دور می‌ریزیم چیز دیگری بسازیم!

یکی از کتاب‌های زمان کودکی که در خاطر خیلی از ماها مانده است «دور ریختنی‌ها» است. کتاب فلسفه ساده‌ای دارد: «هر چه که می‌خواهیم دور بریزیم می‌تواند با یک ابتکار ساده تبدیل به چیز جدیدی شود. همچنین وقتی به چیزی نیاز داریم، می‌توانیم به جای خرید آن با وسایلی که دیگر به کارمان نمی‌آید تهیه‌اش کنیم.»

در حال حاضر انبوهی از منابع مختلف در این باره در دسترس ما قرار دارد کافی است سری به شبکه‌های اجتماعی و برای مثال YouTube بزنید تا راهکارهای جالب و خلاقانه‌ای برای خلق چیزهای جدید از وسایل کهنه بیابید.

این روش‌ها مجموعه وسیعی از ابتکارها را شامل می‌شود. برای مثال: استفاده از شیشه‌های بسته بندی کالا به جای ظرف ادویه و حبوبات، تبدیل تی شرت‌های کهنه به زیرانداز، ساختن کوله پشتی از شلوار جین قدیمی، درست کردن جعبه های کادویی جواهرات از رول خالی دستمال توالت، تبدیل بطریهای پلاستیکی به گلدان‌های دیوار سبز و تغییر مدل لباس‌های قدیمی با برش و گره.

در ابعاد بزرگ‌تر استفاده مجدد از ساختمان‌ها، هواپیماها یا کشتی‌های قدیمی و تبدیل آن‌ها به کافی شاپ یا هتل را نیز می‌توان در این دسته گنجانده. در بُعد صنعتی نیز می‌شود به تصفیه و استفاده مجدد از آب و مواد ضایعاتی کارگاه‌های تولیدی اشاره کرد.

هر چه منابع زمین محدود است، خلق ایده برای استفاده دوباره از وسایل قدیمی به نظر نامحدود می‌آید. مفهوم استفاده مجدد، الهام بخش هنرمندان بسیاری برای خلق آثار ارزشمندی بوده است. این آثار علاوه بر صرفه جویی در استفاده از مواد دست اول، پیام‌های متعالی فراوانی در خود نهفته دارند. نگاه تیزبین پدیدآورنده اثر به وسایلی که عمرشان تمام شده تلقی می‌شود، آفرینش دوباره و دمیدن روح به کالبدی مرده را به ذهن متبادر می‌کند و مخاطبان را به تحسین وامی‌دارد.

تعمیر کنیم، دوباره استفاده کنیم و زمین را حفظ کنیم

مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌های ما متعلق به زمانه ای بودند که «اگر خراب شد دورش بیانداز» در آن معنی نداشت. هزینه تعمیر هرچیز کمتر از خرید مجدد آن بود. سیستم اقتصادی تولید محور امروز با ایجاد تصور فراوانی، به ما القا می‌کند که خرید دوباره، کم دردسرت‌تر است. شاید گاهی اینطور به نظر بیاید که با خرید دوباره پول کمتری خرج می‌کنیم ولی اغلب ما می‌دانیم که تمام چیزهایی که به خاطر هر نقص کوچکشان دور می‌ریزیم حجم زباله



جهان را اضافه می کند و دردسرهای عظیم تری را برای ما و نسل بعد می آفریند.

می توانیم قبل از آنکه هر وسیله را با معادل جدیدش عوض کنیم امکان تعمیرش را بررسی کنیم. سوراخ جوراب می تواند دوخته شود. کفه کفش می تواند چسبانده شود. روکش کثیف مبل می تواند شسته شود. وسایل دیجیتالی می توانند تعمیر شوند. با تعویض یک قطعه یدکی می شود از یک وسیله الکتریکی برای مدت مدیدی استفاده کرد.

ترویج تعمیر وسایل تنها به سود محیط زیست نیست بلکه به رونق اقتصاد و کسب و کارهای کوچک نیز کمک می کند. هرچه دیگران را به تعمیر وسایلشان به جای خرید معادل نو ترغیب کنیم در سطح بالاتری از کسب و کارهای کوچکی که بر پایه خدمات تعمیر استوار هستند، حمایت می کنیم.

به شبکه های خرید کالاهای دست دوم بپیوندیم!

خیلی وقتها چیزهایی که ما دور می اندازیم همان چیزی است که کس دیگری به آن نیاز دارد یا بالعکس. سمساری ها و آنتیک فروشی ها در گذشته حلقه واسط برای فروش کالاهای دست دوم بودند. در مونترال فروشگاه های متنوع و بزرگی وجود دارند که کسب و کارشان ارائه اجناس دست دوم است. در این فروشگاه ها وسایل را بر اساس کاربرد دسته بندی می کنند و در قفسه های منظم می چینند. این فروشگاه ها برای پیدا کردن قطعات یدکی وسایل منزل نیز مکان های مناسبی هستند.

Turn an old tee shirt ↓



↑ into a pinafore baby dress

گزینه دیگر برای خرید و فروش اجناس دست دوم در مونترال، Garage sale ها هستند. بسیاری از افراد در زمان اسباب کشی بخش عمده ای از وسایل خود را در منزلشان قیمت گذاری می کنند و با انتشار آگهی در محله یا شبکه های اجتماعی از دیگران می خواهند تا از فروشگاه خانگی موقت آنها بازدید و خرید کنند.

امروزه با گسترش فضاهای مجازی بازار کالاهای دست دو شکل جدیدی به خود گرفته است. افراد اقلام اضافی خود را در سایت هایی نظیر Craglist ، Kijiji یا صفحه های فیس بوکی معرفی می کنند. موتورهای جستجو این امکان را برای شهروندان فراهم می کنند تا وسیله مورد نیازشان را با بررسی قیمت و هزینه حمل خریداری کنند. با خرید و فروش وسایل دست دو در این شبکه ها علاوه بر آنکه امکان تامین کالا با قیمت مناسب فراهم می شود، میزان زیادی از مواد دست اول زمین که باید صرف تولید مجدد شود، حفظ می گردد.

وسایلی که ما نیاز نداریم می توانند وارد چرخه امور خیریه شوند!

دسته ای از انجمن های خیریه هستند که با وسایل اهدایی توسط شهروندان اداره می شوند. نقش مثبت انجمن های نظیر Salvation Army یا Chainon را در سه سطح می توان دسته بندی کرد. با گرفتن کالاهای دسته دو از افراد به کاهش زباله و حفظ منابع زمین کمک می کنند. با تعمیر و فروش این اقلام در فروشگاه های خود با قیمتهای بسیار پایین به افراد کم درآمد یاری می رسانند.



در نهایت پول حاصل از فروش این کالاها هزینه کمک به افراد نیازمند مانند کودکان، آوارگان جنگی، بی خانمان ها، بیماران خاص یا زنان آسیب پذیر می شود. با اهدای وسایل اضافی خود به این انجمنها و یا خرید از فروشگاه های آنها می توانیم به این چرخه بشردوستانه کمک کنیم.

همچنین هنرمندان و دانشجویان بسیاری هستند که برای تولید آثار خود نیاز به اقلامی مانند چوب، سطل، تکه های پارچه و طناب، دکمه ها رنگی، تکه های کاغذ و مقوا یا هزاران وسیله دیگری دارند که ممکن است ما در خانه تکانی راهی سطل زباله کنیم. می توانیم اینگونه وسایل را به Art Hive ها^۱ اهدا کنیم. این مراکز وسایل اضافی شهروندان (که قابلیت تولید کار هنری دارند) را جمع آوری و دسته بندی می کنند و به رایگان در اختیار افرادی قرار می دهند که می خواهند کارهای هنری خلق کنند. به نظر می رسد در جوامع توسعه یافته، استفاده کردن از وسایل نو یا دست دو کمتر معیاری برای قضاوت طبقه اجتماعی آدمها در نظر گرفته می شود. خیلی از ثروتمندان ترجیح می دهند که وسایل خانه دست دوم خاص و زیبا هستند در منزل داشته باشند به جای آنکه مدل های نو رایج و پر فروش بازار را بخرند. خیلی از پدر و مادرها می دانند که وقتی به جای خرید برخی از اسباب بازی ها رنگارنگ، فرزندانشان را ترغیب می کنند تا خودشان وسایل بازی را بسازند راهی برای رشد خلاقیتشان می گشایند. و در نهایت اینکه بسیاری از خریداران کالاهای دست دو کسانی هستند که از ایجاد تنوع در زندگیشان لذت می برند ولی علاوه بر مدیریت هزینه زندگیشان، خودآگاه یا ناخودآگاه در حفظ منابع دست اول زمین گام مثبتی بر می دارند.



خبرهای بد برای کسب و کارهای سبز در انتاریو



به گزارش CBC  دولت محافظه کار ایالت اونتاریو ۷۵۸ قرارداد مربوط به انرژی‌های تجدیدپذیر در این ایالت را لغو کرد.

درحالی که Greg Rickford اعلام کرده است که این کار تلاشی برای صرفه جویی ۷۹۰ میلیون دلاری هزینه‌های استانی با کاهش رقم قبض‌های انرژی شهروندان خواهد بود، مسئولان صنایع معتقدند که این کار تنها به کسب و کارهای کوچک حوزه انرژی‌های پاک ضربه می‌زند.

آقای Rickford در بیانیه خود اعلام کرده است که دولت قصد دارد در نشست تابستانی خود قوانینی را بررسی کند که مشتریان شرکت هیدرو رو از خسارات مالی ناشی از لغو این قراردادها حفاظت کند. نام شرکت‌هایی که قراردادهایشان معلق شده است در بیانیه دولت ذکر نگردیده است.

John Gorman، رئیس انجمن صنایع خورشیدی کانادا، می‌گوید: که این حرکت به سرمایه‌گذاران کوچک، مانند کشاورزان، شوراهای مدرسه، شهرداری‌ها و انجمن‌های بومیان که پانل‌های خورشیدی را بر پشت بام‌ها یا املاک خود نصب کرده‌اند، آسیب می‌رساند. همچنین پیمانکاران، مهندسان و شرکت‌های نصب که در حال کسب تجربه در این زمینه هستند متحمل خسارت خواهند شد.

Gorman همچنین معتقد است که این تصمیم به احتمال زیاد منجر به طرح دعوی قضایی خواهد شد. از آنجایی که دولت تا به حال هیچ مبلغی به این شرکت‌ها پرداخت نکرده است، لغو این قراردادها نیز (برخلاف ادعای دولت) بر قیمت انرژی تاثیری نخواهد داشت. بنابراین نامعقول است که این پروژه‌های کوچک بر روی پشت بام‌ها، به صرفه جویی در هزینه انرژی شهروندان مربوط گردد.

Peter Tabuns، منتقد این تصمیم دولت اعلام می دارد اگر چه جنگ آقای Ford بر علیه علم و محیط زیست، ممکن است هم حزبی های خودش که بیرون از گود نشسته اند و از حفظ جایگاه انتخاباتی شان راضی هستند را خشنود کند ولی برای بقیه ما به معنای از دست رفتن هزاران موقعیت شغلی، هدر دادن میلیاردها دلار پول و صدمات جبران ناپذیر به محیط زیست است.

رهبر حزب سبز، Mike Schreiner، در واکنش به این تصمیم، آن را عقبگرد ایالت انتاریو در صنعت جهانی انرژی های تجدیدپذیر دانست. صنعتی که به اعتقاد او میلیاردها دلار ارزش دارد و یک منبع مطمئن برای تولید شغل است. همچنین او ابراز داشت که این کار ریسک های مالی مهمی برای این استان دارد چرا که به صاحبان کسب و کار پیام های منفی ارسال می دارد. پیام هایی مبنی بر اینکه این استان محل امنی برای تجارت نیست و قراردادهای بدون اطلاع کنسل می کند.

در اوایل ماه ژوئیه دولت اظهار کرد که به زودی قوانین مربوط به لغو پروژه انرژی بادی در شرق انتاریو را که فقط چند هفته به پایان آن باقی مانده بود را اعلام خواهد نمود. در همین رابطه شرکت در حال رشد WPD کانادا، که این پروژه انرژی پاک را پشتیبانی می کند اظهار داشت که لغو این قرارداد می تواند بیش از ۱۰۰ میلیون دلار هزینه داشته باشد و هشدار داد که این اختلاف می تواند به دادگاه ختم شود.

گفتنی است در میان شرکت هایی که از قانون جدید ایالت انتاریو متضرر میشوند تعدادی از شرکت های کبکی که در زمینه انرژی های پاک در ایالت انتاریو فعالیت داشتند نیز وجود دارند.

دولت محافظه کار و تازه به قدرت رسیده انتاریو، در زمینه موضوعات محیط زیستی رفتاری مشابه با دولت فعلی ایالات متحده را در پیش گرفته است. رویکردی که به طور جدی می تواند برای آینده محیط زیست استان و کانادا تاثیرگذار باشد.



آینده‌ای درخشان در انتظار نسل دوم یک خانواده پناهنده

پیشنهاد بایرن مونیخ به آلفونسو دیویس ستاره ونکوور وایت کپس

رسانه های کانادایی طی یکی دو روز اخیر به پوشش خبری مهم در مورد فوتبال پرداخته اند. آن هم فوتبال اروپایی و نه آمریکایی. بیشتر سایتها در بخشهای ورزشی خود به آلفونسو دیویس ستاره تیم ونکوور وایت کپس Vancouver Whitecaps اشاره کرده‌اند و مدعی شده‌اند که او در حال نهایی کردن قراردادش با باشگاه بایرن مونیخ است.

انتقال این هافبک ۱۷ ساله و ملی پوش کانادایی به بایرن مونیخ از باشگاههای معتبر اروپایی نقطه عطفی در تاریخ نقل و انتقالات باشگاهی از سمت کانادا به اروپا است.

مسیری که تا به حال برعکس طی شده و بازیکنان مطرح اروپایی بوده اند که اواخر فوتبال شان به طمع درآمدهای بالاتر یا دستکم به هوای چند سال بیشتر بازی کردن راهی لیگ رده پایین فوتبال کانادا شده اند. مثل دیدیه دروگبا که برای باشگاه مونترال ایمپکت بازی می کرد.



اما این بار یک استعداد نوجوان از خانواده‌ای پناهنده به کانادا است که چشم اروپایی‌ها را به خود خیره کرده است. دیویس در خانواده‌ای لیبرایی در کمپ پناهندگان در کشورغنا متولد شد و چند سال بعد بود که خانواده اش که از جنگ داخلی می‌گریختند به کانادا پناهنده شدند و در اونتاریو این خانواده زندگی جدید خود را آغاز کرد.

دیویس که سال ۲۰۱۷ رسماً شهروند کانادا شد، در چند رده سنی برای تیم‌های ملی کانادا به میدان رفته و در شانزده سالگی جوان‌ترین گلزن تاریخ فوتبال کانادا شد و در جام کونکاکاف - جام قهرمانی میان کشورهای شمال و مرکز آمریکا و کارائیب - سال ۲۰۱۷ برای این تیم گلزنی کرد. گفته می‌شود دیویس در وایت کپس رابطه خوبی با مربی اش کارل رابینسون ندارد با این حال مربی وی به باشگاه توصیه کرده که جلوی رشد و پیشرفت این بازیکن را نگیرند: «آیا می‌خواستیم او را بفروشیم؟ نه، چون او بازیکن بسیار موفقی است اما نمی‌شود در یک چنین موقعیتی خودخواه بود چون ما در این سطح باشگاهی و بین‌المللی یک استعداد بزرگ را در اختیار داریم.»

نیکو کوواچ مربی بایرن مونیخ هم گفته: «هنوز هیچ چیز نهایی نشده است. البته او بازیکنی با استعداد و بسیار سرعتی است.» سایت TSN کانادا پیش‌بینی کرده که قیمت دیویس ممکن است با احتساب پاداش هایش به بیست میلیون دلار آمریکا برسد. رقمی که رکورد جابجایی بازیکن در تاریخ MLS لیگ فوتبال آمریکای شمالی را جابه‌جا خواهد کرد. آخرین رکورد در سال ۲۰۰۸ و زمانی ثبت شد که باشگاه ویارئال اسپانیا برای خریدن جوزی آلتیدوره مهاجمی که آن موقع ۱۸ ساله بود به باشگاه نیویورک ردبولز ده میلیون دلار آمریکا پرداخت کرد.

نیکو کوواچ <
مربی بایرن مونیخ



کناره گیری فدرر از راجرز کاپ تورنتو

راجر فدرر ستاره سوییسی از شرکت در مسابقات راجرز کاپ که نیمه اول اوت در تورنتو برگزار می شود انصراف داده است. نفر شماره دو تنیس جهان که فینال سال قبل این رقابت‌ها را در مونترال به الکساندر زوروف از آلمان واگذار کرده بود، غایب بزرگ رقابت های امسال است.

فدرر ۳۶ ساله دو بار در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ قهرمان راجرز کاپ شده است. او درباره عدم حضورش در این جام گفت:

«سال گذشته رقابت فوق العاده‌ای در مونترال داشتم و همیشه از این که جلوی هواداران کانادایی بازی کنم لذت برده‌ام. اما متأسفانه برای تداوم روند فعالیت حرفه‌ای‌ام باید برنامه ریزی خاصی را مد نظر داشته باشم و به همین دلیل مجبورم از این رقابت‌ها کنار بکشم.»



درخشش تنیسور مونترالی در مسابقات سویس

فلیکس اوگر آلیاسیم (Félix Auger-Aliassime) به دور دوم مسابقات تنیس اوپن سویس که روی زمین رُسی برگزار می‌شود راه پیدا کرده است. این تنیسور هفده ساله اهل مونترال توانست در این رقابت‌ها حریف آرژانتینی اش را با نتایج

۶-۳ و ۷-۶ شکست بدهد. این سومین پیروزی مهم او در تور معتبر جهانی تنیس معروف به ATP است. اوگر آلیاسیم که در رده بندی جهانی برترین های تنیس در رده صد و سی و نهم قرار دارد در مونترال در خانواده ای مهاجر با پدری توگویی متولد شده و بیشتر سال های زندگی اش را در کبک سیتی گذرانده است.



میهمانی بنفش اسطوخودوس‌ها

مهرنوش اردلان تابستان مونترال که از راه می‌رسد برای استفاده بهینه از این دوران نه چندان طولانی برنامه‌ریزی می‌کنیم؛ اما شاید کمتر کسی از ما برای گذراندن یک روز دل‌انگیز در کنار بوته‌های اسطوخودوس از قبل برنامه‌ای داشته باشد.

بوته اسطوخودوس مدت بسیار کوتاهی به گل می‌نشیند و قبل از رسیدن زمان بارندگی باید چیده شود بنابراین شما تنها هفت هفته فرصت دارید تا از مناظر این گیاه زیبا، بهره‌مند شوید.

یکی از مزارع زیبای اسطوخودوس که بازدیدکنندگان می‌توانند روز خود را آن جا بگذرانند مزرعه La Maison Lavande است که در فاصله نزدیکی به مونترال قرار دارد.



این مزرعه از شمال جزیره مونترال در حدود ۴۰ کیلومتر فاصله دارد و با وسیله نقلیه شخصی می‌توانید در مدت نیم ساعت به این مزرعه که در حومه شهر Saint-Eustache واقع شده است برسید. مزرعه توسط خانواده (Ferron-Joannette) در سال ۲۰۰۶ ایجاد شده است.

این خانواده بعد از بازدید از جنوب فرانسه تصمیم به ایجاد مزرعه اسطوخودوس و ارائه محصولات تولید شده از این گیاه گرفته‌اند. این مجموعه شامل مزارع اسطوخودوس، فروشگاه جنبی مزرعه برای ارائه محصولات تولید شده از این گیاه و یک رستوران-بار کوچک، ماساژدرمانی و پارکینگ رایگان است و بیش از صد نفر در آن مشغول به کارند.

برای وارد شدن به خود مزرعه باید بلیط تهیه کنید که قیمت آن برای افراد بزرگسال در زمان پر بازدید سال ده دلار است و برای کودکان کمتر از یازده سال رایگان است.



با ورود به مجموعه مناظر زیبایی از بوته‌های اسطوخودوس را مشاهده و عطر سبک آن را که در فضا پخش است استشمام می‌کنید. گوشه گوشه این مزرعه افرادی را مشاهده می‌کنید که مشغول عکاسی و ثبت خاطره هستند. زمین بازی بچه‌ها، نیمکت‌هایی جهت پیک‌نیک و صندلی‌های راحتی به منظور ایجاد آرامش به چشم می‌خورد. تمامی فضاها برای افراد دارای ناتوانی فیزیکی، قابل دسترس است.



ساعت بازدید از ۱۰ صبح آغاز می‌شود و تا ساعت پنج عصر و در روزهای پنج‌شنبه و جمعه تا ساعت نه شب ادامه دارد. در این مجموعه یک کافه-رستوران کوچک وجود دارد که در کنار ساندویچ‌های سبک و سالادهای مختلف می‌توانید از بستنی و لیموناد با طعم اسطوخودوس مخصوص آن لذت ببرید. در ماه ژوئیه روزهای جمعه و شنبه چنانچه از قبل تلفنی رزرو کرده باشید می‌توانید از ماساژدرمانی استفاده کنید.

بعضی از روزها بر اساس برنامه‌ای که در وبسایت این مجموعه وجود دارد موسیقی زنده نیز برقرار است. زمان پر بازدید این مزرعه از ۱۶ ژوئن تا پنجم اوت است که بوته‌ها گل دارند و می‌توان حداکثر استفاده را از فضا برد. در هنگام بازگشت هم می‌توانید محصولات خوراکی یا محصولاتی که برای زیبایی و یا معطر کردن فضا کاربرد دارند و از اسطوخودوس به دست آمده است را تهیه کنید.



تابلوی که آبی بود



آزاده مقدم سال پیش یکی از همین روزها، صبح پسرک را بردم مهدکودک.

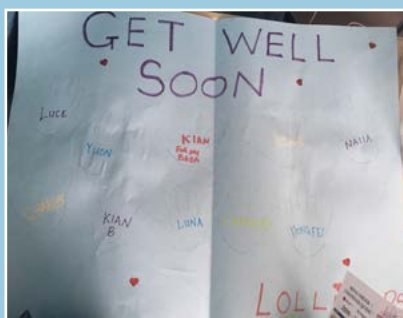
معلمش پرسید چه خبر؟ گفتم پدر پسرک به خاطر مشکل دیسک کمرش توی بیمارستان بستری شده است.

معلم، پسرکم را بغل کرد و دلداری اش داد. در راه برگشت فکر کردم به اینکه، خوب این هم یکی از همان گلوگاه‌ها است. از همان موقعیتها که یک خویشاوند می‌خواهد تا به دادت برسد از همان‌ها که تمام زندگی‌ات را جلوی چشمانت می‌آورد. آن روز پر از خستگی و دل‌زدگی گذشت.

عصر که رفتم دنبال پسرک مربی مهدکودک مقوای بزرگی داد دستم و گفت، روی این همه بچه‌ها دستشان را کشیده اند و برای پدر کیان آرزو کرده‌اند زودتر خوب شود. گفت امروز همه ما این مقوا را نقاشی کردیم رویش قلب چسبانیدیم، اسمهایمان را نوشتیم تا کیان بفهمد که تنها نیست و ما همه آرزو می‌کنیم که پدرش خیلی زود خوب شود.

از من خواست که مقوا را ببرم بیمارستان و بچسبانم روی دیوار کنار تخت. گفت اثرش فوق‌العاده خواهد بود، امتحان کن. مقوای تا خورده را باز کردم، بالایش بزرگ نوشته شده بود **Get Well Soon** پایین‌تر دست کیان بود که وسط دست نوشته شده بود، برای بابای کیان.

مقوا پر شده بود از تصویر دست بچه‌ها. اسم هرکدامشان میان دستشان نوشته شده بود و قلبهای قرمز چسبانده شده بود میان دست‌ها. به دست‌ها، اسم‌ها و قلب‌ها خیره شده بودم. فکر می‌کردم این زن چطور توانست به این زیبایی من و پسرک و پدرش را همراهی کند! چطور توانست با یک مقوای آبی رنگ چند دلاری، تابلوی به این زیبایی از حضور انسانیت و لذت همراهی بسازد. قلبم پر شد از همه خوشی‌ها و همراهی‌هایی که گمان می‌کردم فقط خویشان راه دورم میتوانند به جان و روحم بریزند، جان دوباره گرفتیم با فکر به اینکه پسرک را جای درستی سپرده‌ام. فردای آن‌روز یکی از مربی‌ها شماره یک فیزیوتراپ را به من داد و از مشکل کمر خودش گفت و روزهای سختی که گذرانده است. موقع بیرون آمدن از در، مربی موسسید مهد که بچه‌ها می‌ما (مادر بزرگ) صدایش می‌زنند شماره‌اش را برایم نوشت و داد به دستم و گفت هر ساعتی که خواستی زنگ بزنی می‌آیم و پسرک را می‌برم پیش خودم. گفت فکر کن من پرستار پست هستم.





به مناسبت سالگرد انتخاب نخستین
فرماندار فرانسوی کانادا

موسیو فرماندار، نماد اتحاد و اخلاق

زمان: اول اوت ۱۹۵۹

مکان: ساختمان پارلمان کانادا، اتاوا، اونتاریو

مریم ایرانی همه ما مونترالی‌ها، حتما برای یکبار هم که شده اسم جورج ونیه Georges Vanier به گوشمان خورده‌است.

یک ایستگاه مترو در خط نارنجی، بزرگرایی به همین نام که از کنار این مترو شروع می‌شود و در حد فاصل خیابان‌های نوتردام و ژاک کارتیه واقع شده‌است. یک کالج بسیار بزرگ و معتبر به زبان انگلیسی و فرانسه در منطقه سنت لوران مونترال، یک مدرسه، یک کتابخانه عمومی و یک کتابخانه در دانشگاه کنکوردیا همه به افتخار این شخصیت تاریخی مهم کانادایی و البته متولد استان کبک و شهر مونترال، نامگذاری شده‌اند. مردی که اگر جنگ جهانی اول رخ نمی‌داد، شاید هنرمندی گمنام در کلیسا باقی می‌ماند و یک کشیش معمولی می‌شد. اما جنگ مسیر زندگی‌اش را طوری تغییر داد که او را با وجود قطع عضو به اولین فرماندار فرانسوی کانادا تبدیل کرد.

مردی که تمام زندگی‌اش را در راه صلح و اتحاد مردم کشورش و دیگر مردم دنیا صرف کرده است.

جنگ، مسیر زندگی دانشجوی دانشگاه کنکوردیا را تغییر می‌دهد

در آوریل ۱۸۸۸ جورج ونیه، در یکی از مناطق جنوب غربی شهر مونترال به نام بورگاندی کوچک La Petite-Bourgogne در یک خانواده ایرلندی-فرانسوی چشم به جهان گشود. زبان فرانسه را از پدر و انگلیسی را از مادر آموخت و به همین دلیل از مزیت یک شهروند دو زبانه برخوردار شد. در نوجوانی به کالج لویولا (Loyola) رفت (جایی که امروز پردیس دانشگاه کنکوردیا به همین نام و در خیابان شربروک واقع شده است).

در آنجا لیسانس هنر خود را دریافت کرد و بلافاصله برای ادامه تحصیلاتش در زمینه حقوق به دانشگاه لول رفت. او در مدت تحصیل دانشجوی بسیار ممتاز و درخشانی بود و مدال طلای درس فلسفه را دریافت کرد. بعد از گذراندن این دوره، جورج ونیه در آزمون انجمن وکلای کبک پذیرفته شد و از آنجایی که به کار در کلیسا علاقه‌مند بود تصمیم گرفت تا یک کشیش شود.

او تمام کارهای خود را هم انجام داده بود ولی ناگهان جنگ جهانی اول آغاز شد. جنگی که سرنوشت او و خیلی‌های دیگر را تغییر داد. جورج جوان تصمیم گرفت در این جنگ برای ارتش بریتانیا به خدمت برود و جزو سربازان کانادایی باشد که در جنگ شرکت می‌کردند. ونیه آن قدر به خدمت برای ارتش عشق می‌ورزید که با همکاری و تلاش‌های بی‌وقفه او یک گروه ارتش فرانسوی زبان در سال ۱۹۱۵ به طور خاص در زیر مجموعه ارتش کانادا ایجاد شد که امروزه به نام «هنگ بیست و دوم ارتش سلطنتی» *Royal 22e Régiment* شناخته می‌شود. او فرماندهی این هنگ ویژه را بعد از جنگ در سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ به عهده داشت. ونیه بسیار مثبت‌اندیش و با روحیه بالا در جنگ ظاهر می‌شد و به زیر دستانش قوت قلب می‌داد. او در نامه‌ای که به مادرش در سال ۱۹۱۷ نوشته چنین می‌گوید: «ما به زودی پیروز می‌شویم، روحیه نیروهای ما بسیار بالا است.» هرچند جنگ یک‌سال و نیم بعد با تلخی برای ونیه تمام شد. او پای راستش را بر اثر انفجار خمپاره‌ای از دست داد؛ اما حاضر نشد برای درمان به کانادا برگردد و ترجیح داد در کنار هم‌زمانش باقی بماند.



آغاز مسیر سیاست از دیپلمات شدن

بعد از جنگ، جورج ونیه به خاطر شجاعت‌هایش مدال افتخار از طرف ارتش انگلستان دریافت کرد و به مونترال بازگشت. ازدواج کرد و صاحب ۵ فرزند شد.

در سال ۱۹۳۰، ونیه وارد اداره دیپلماسی کانادا در انگلستان شد. او به مدت ده سال در این اداره در نقش یک دیپلمات، زیر دست فردی به نام ونسان مسی Vincent Massey خدمت می‌کرد که بعدها او را در راه فرمانداری کانادا یاری فراوان کرد. بعد از ده سال در زمانی که جورج ونیه به همراه پسرش در رژه مخصوص شاه جدید انگلستان، جورج پنجم، که تازه تاجگذاری کرده بود حاضر شد، یکی از فرمانداران آینده کانادا یعنی هارولد الکساندر Harold Alexander را ملاقات کرد.

این ملاقات در آینده او تاثیر فراوانی داشت و جورج را به سمت مهمی در پاریس ارتقا داد؛ اما با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال پاریس توسط آلمان، ونیه دوباره به کانادا و کبک بازگشت و ارتش فرانسوی زبانان را به خدمت فراخواند. ونیه در زمان جنگ جهانی دوم نقش بسیار مهمی در تشویق کانادا به پذیرفته شدن بازماندگان و مهاجران جنگی ایفا کرد و تلاش‌های زیادی برای تغییر قوانین مهاجرت در کانادا انجام داد.

او که بعد از جنگ، سفیر کانادا در فرانسه و نیز نماینده سازمان ملل بود، در نطق‌های آتشینی کانادا را به حمایت از آوارگان و پناهندگان جنگی تشویق می‌کرد. او و همسرش

در حدود حداقل ۱۸۶ هزار

پناهنده اروپایی بعد از

جنگ را نجات داده‌اند.

در سال ۱۹۵۳ ونیه

از دیپلمات بودن

بازنشسته شد و به

مونترال بازگشت.

او و همسرش پائولا

فعالیت‌های اجتماعی

زیادی را سروسامان

دادند. ونیه، وارد بانک

مونترال شد. یک شرکت

بیمه عمر را راه اندازی کرد

و با توجه به تحصیلاتش به

مشاوره هنری در شورای

هنر کانادا هم می‌پرداخت.



فرمانداری کانادا

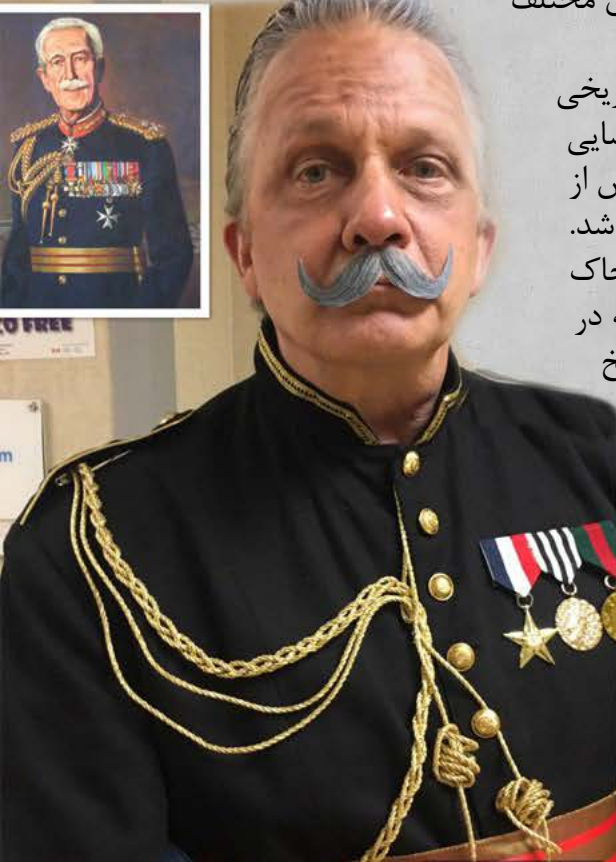
ونیه به دلیل دو زبانه بودنش در محافل سیاسی نقش بسیار مهمی داشت. در مدتی که دیپلمات و در خدمت ونسان مسی بود در نقش یک رابط مستحکم بین افراد فرانسوی و انگلیسی ظاهر می‌شد و همین باعث شد که به شدت مورد حمایت سیاستمداران کانادایی برای نقش فرماندار باشد. سرانجام او در اول اوت سال ۱۹۵۹ به سمت فرمانداری کانادا رسید. ونیه در سخنرانی مراسم انتصابش چنین گفت: «من در این لحظات فقط به درگاه خداوند دعا می‌کنم. من می‌خواهم کشورم همیشه در صلح و عشق ابدی برقرار بماند و من یک خدمتگزار برای پیشرفت آن خواهم بود.»

ونیه به دلیل نزدیکی‌اش به انگلیسی‌ها و خدماتی که به ارتش آن کرده بود از سوی بسیاری از تندرویان و جدایی طلبان کبک به عنوان خائن خطاب می‌شد و همیشه در سخنرانی‌هایش با توهین‌های آن‌ها مواجه بود. با این حال همیشه یک پاسخ می‌داد: «رمز صلح و آرامش برای همه کانادایی‌ها، اتحاد انگلیسی‌زبانان و فرانسوی‌زبانان است. ما نباید کشور را بر اثر نزاع‌های خود به خطر بیندازیم.»

ونیه به دعا برای انجام کارهایش اعتقاد داشت و طبقه بالای دفتر کار خود را تبدیل به عبادتگاهی کرده بود که روزی چندساعت را در آن برای عبادت می‌گذراند. در اواخر عمرش او که دیگر روی صندلی چرخدار می‌نشست در جمع دانشجویان دانشگاه مونترال در یک سخنرانی گفت:

«ما هرگز نباید تصور کنیم که آرامش ما در جدایی و اختلاف است. کانادا باید همیشه متحد و یکپارچه باقی بماند. درس بزرگی که کانادا به سایر کشورهای دنیا می‌دهد باید این باشد که قدرت در نگاه داشتن افراد متنوع و با اعتقادات و زبان‌های مختلف در کنار هم است.»

چند ماه بعد از این سخنرانی تاریخی در ۵ مارس ۱۹۶۷، ونیه بر اثر نارسایی قلبی در دفتر کارش درگذشت. بیش از ۱۵ هزار پیام تسلیت برای او ارسال شد. ونیه در کلیسایی در کبک سیتی به خاک سپرده شد. در سال ۱۹۹۸ نام ونیه در صدر لیست صد کانادایی برتر تاریخ قرار گرفت. جک گراناتشتاین Jack Granatstein، که یک مورخ مهم است درباره ونیه چنین می‌نویسد: «مردی بی پروا و مهربان. فرمانداری که نماد اخلاق و اتحاد کانادا خواهد ماند.»





دریچه مهاجرت
دریچه ای روبه مهاجرت



مشاور رسمی مهاجرت کانادا
(RCIC)

<https://t.me/immigrationdoor>

iccrc
IMMIGRATION CONSULTANTS OF
CANADA REGULATORY COUNCIL



crcic
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA

سهیل احمدی

+1 (514) 748-0949

تماس مستقیم و رایگان از ایران با دفتر کانادا

+98 21 86081897

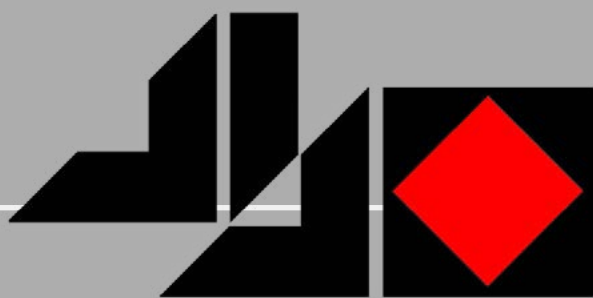
+98 21 88207093

کبک، مونترال، خیابان سن کترین غربی، پلاک ۴۰۵۵

واحد ۱۶۵ - کد پستی H3Z 3J8

ارزیابی رایگان در وبسایت

www.ImmigrationDoor.com



دانشگاه

اگر از خواندن **مداد** لذت می‌برید
اشتراک آن را
به دوستان خود پیشنهاد دهید
اشتراک مداد رایگان است

فرم اشتراک